



۶۸/۶/۱

نشست تخصصی:

تبیین نظریه مدیریت شهری محله محور

محورها:

۱. فلسفه مدیریت شهری چیست؟
۲. نهاد اصلی متکفل تربیت چیست؟
۳. چه عواملی بر تقویت نهاد خانواده اثر می گذارند؟
۴. نحوه اداره شهر چگونه باشد تا نهاد خانواده تضعیف نشود؟
۵. کالبد شهری مورد نیاز برای تعریف جدید از محله در مدیریت شهری محله محور چیست؟
۶. خانه ها و تأسیسات شهری در قالب محله چه تغییری باید پذیرند؟
۷. نظام مقایسه نظریه «مدیریت شهری محله محور» با دیدگاه های سنتی و نو شهرگرایی چیست؟

شورای راهبردی
الگوی پیشرفت اسلامی
مهرماه ۱۳۹۸

ارائه: حجت الاسلام کشوری
در اداره کل تبلیغات اسلامی استان
خراسان رضوی در شهر مقدس
مشهد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَايِنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.

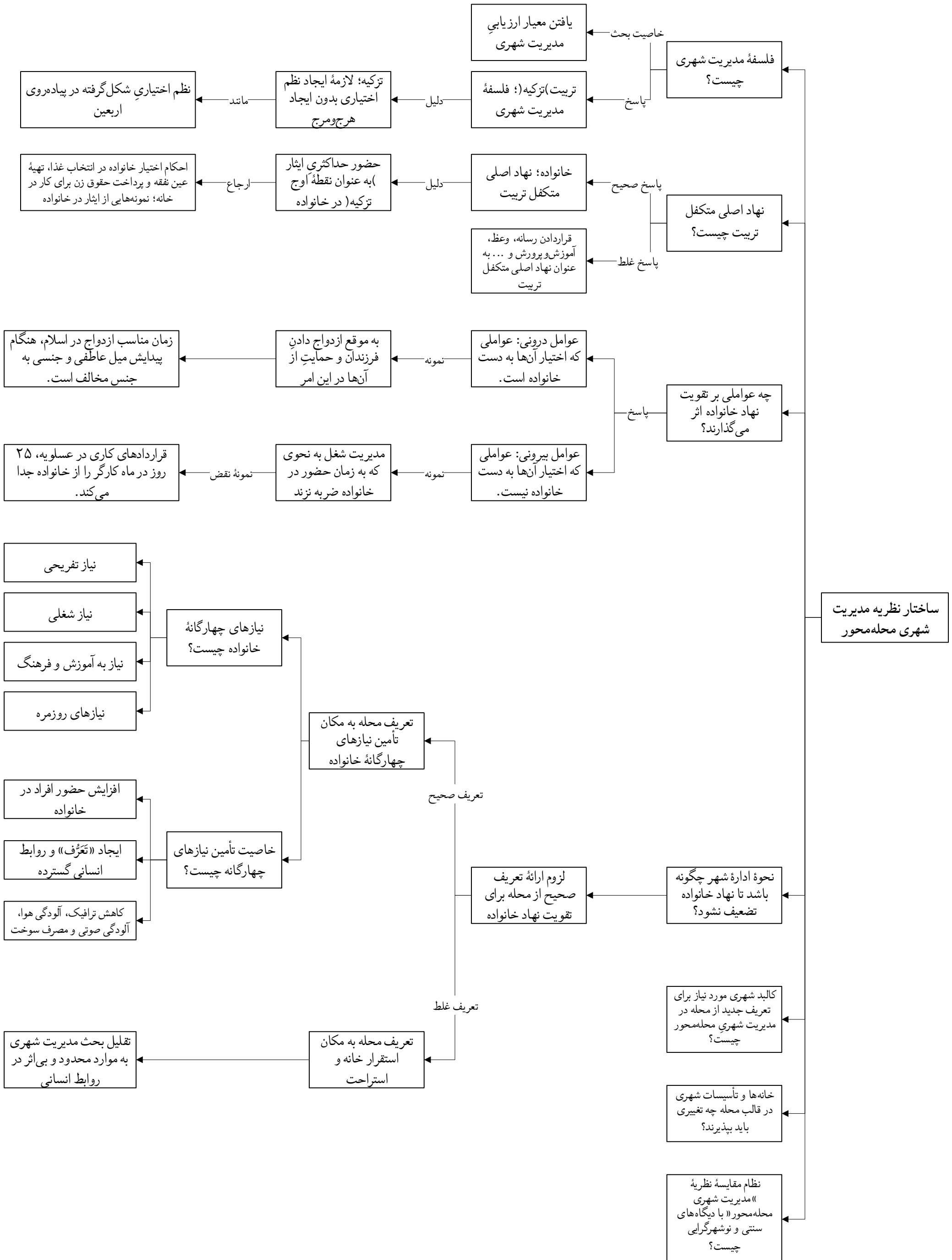
آیه ۱۴۶ سوره مبارکه آل عمران

چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه:

جزوه پیش رو متن پیاده شده سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی تبیین نظریه مدیریت شهری محله محور است که در تاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۹۸ (مصادف با ۱۵ محرم الحرام ۱۴۴۱) اداره کل تبلیغات اسلامی استان خراسان رضوی در شهر مقدس مشهد برگزار شده است. پیشنهاد می شود جزوه و نمودار این جلسه به ترتیب در قطع A۴ و A۳ چاپ شود.

نشست تخصصی تدیین نظریه مدیریت شهری محله محور



فهرست مطالب

۱. فلسفه مدیریت شهری چیست؟ ۲
- ۱/۱. لزوم وجود معیار ارزیابی مدیریت شهر؛ دلیل بحث از فلسفه مدیریت شهری ۲
- ۱/۲. تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از منظر اسلام ۳
- ۱/۲/۱. تربیت و تزکیه؛ لازمه اجرای نظم اختیاری ۳
۲. نهاد اصلی متکفل تربیت چیست؟ ۵
- ۲/۱. خانواده؛ نهاد اصلی متکفل تربیت ۵
- ۲/۱/۱. حضور حداکثری ایثار (اوج تزکیه) در خانواده؛ دلیل انتخاب خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل تربیت ۶
۳. چه عواملی بر تقویت نهاد خانواده اثر میگذارند؟ ۸
- ۳/۱. عوامل درونی و بیرونی؛ دو دسته عامل اثرگذار بر تقویت نهاد خانواده ۸
- ۳/۱/۱. ازدواج دادن به موقع فرزندان؛ یک نمونه از عوامل درونی مؤثر بر تقویت نهاد خانواده ۸
- ۳/۱/۲. مدیریت مشاغل؛ یک نمونه از عوامل بیرونی مؤثر بر تقویت نهاد خانواده ۱۰
۴. نحوه اداره شهر چگونه باشد تا نهاد خانواده تضعیف نشود؟ ۱۲
- ۴/۱. تعریف محله به مکان استقرار خانه و استراحت؛ تعریف غلط از محله‌های فعلی در مدیریت شهری فعلی ۱۳
- ۴/۱/۱. تفریح؛ اولین نیاز نادیده گرفته شده زندگی خانواده در قالب محله‌های فعلی ۱۳
- ۴/۱/۲. شغل؛ دومین نیاز نادیده گرفته شده زندگی خانواده در قالب محله‌های فعلی ۱۳
- ۴/۱/۳. آموزش و فرهنگ؛ سومین نیاز نادیده گرفته شده زندگی خانواده در قالب محله‌های فعلی ۱۴
- ۴/۱/۴. نیازهای روزمره؛ چهارمین نیاز نادیده گرفته شده زندگی خانواده در قالب محله‌های فعلی ۱۴
- ۴/۲. تعریف محله مطلوب به مکان تأمین نیازهای چهارگانه خانواده؛ تعریف نظریه مدیریت شهری محله‌محور ... ۱۴
- ۴/۲/۱. تعریف صحیح از محله مطلوب؛ لازمه رعایت برخی از احکام اسلام ۱۴
- ۴/۲/۲. افزایش زمان حضور افراد در خانواده؛ دسته اول خاصیت‌های تأمین نیازهای چهارگانه خانواده در محله مطلوب ۱۵
- ۴/۲/۳. ایجاد «تَعْرِف» و روابط گسترده انسانی؛ دسته دوم خاصیت‌های تأمین نیازهای چهارگانه خانواده در محله مطلوب ۱۷

- ۴/۲/۴. کاهش ترافیک، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و مصرف سوخت؛ دسته سوم خاصیت‌های تأمین نیازهای چهارگانه خانواده در محله مطلوب ۱۷
۵. کالبد شهری مورد نیاز برای تعریف جدید از محله مطلوب در مدیریت شهری محله محور چیست؟ ۱۹
۶. خانه‌ها و تأسیسات شهری در قالب محله مطلوب چه تغییری باید پذیرند؟ ۱۹
۷. نظام مقایسه نظریه «مدیریت شهری محله محور» با دیدگاه‌های سنتی و نوشهرگرایی چیست؟ ۱۹
- پیوست‌ها ۲۲
- پیوست شماره ۱: افزایش بیماری در چند دهه اخیر ۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقيه الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله.

خوشحال هستم که خدمت برادران و خواهران گرامی رسیدم؛ همانطوری که به استحضار شما رسیده موضوع جلسه امروز، ارائه یک تبیین اجمالی از نظریه مدیریت شهری محله‌محور است. امیدوارم این نظریه فقهی کمک کند در آینده تحولاتی در تصمیم‌گیری‌های حوزه شهری رقم بخورد و از شرایطی که الان در شهرها با آن روبرو هستیم عبور کنیم؛ شرایطی که در یک جمله، می‌شود در قالب اصطلاح «اصطکاک روابط انسانی» از آن توصیف کرد. ان‌شاءالله این هفت سرفصلی را که بنده در قالب آن، اجمالا نظریه مدیریت شهری محله‌محور را تشریح می‌کنم نشان خواهد داد که الان به دلیل اجرای نظریاتی مانند TOD^۱، شهر خلاق، شهر کودک^۲ و در مجموع، این دیدگاه‌های نوشهرگرایی^۳ چگونه داریم روابط انسانی را به چالش

۱. در سال‌های اخیر، یکی از بزرگترین اهداف برنامه‌ریزی، به ویژه در مراکز شهری، کاهش اتکا به اتومبیل به منظور ایجاد پایداری و سرزندگی در شهرهاست. [۱] به همین منظور حکومت‌ها و سازمان‌های برنامه‌ریزی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های خود را با هدف بازشکل‌دهی توسعه شهرها در الگوهای فشرده‌تر با کاربری مختلط جهت دهی کرده‌اند یکی از این سیاست‌ها که اقبال زیادی به آن شده، توسعه حمل و نقل محور شهری است طرفداران این نوع توسعه، تراکم بالا و مراکز فعالیتی با کاربری مختلط را که به وسیله سامانه‌های حمل و نقل عمومی با کیفیت بالا به یکدیگر مرتبط می‌شوند، راه حل این مشکلات معرفی می‌کنند. [۲] توسعه حمل و نقل محور به عنوان مرکزی با آمیزه‌های متراکم از کاربری‌های مسکونی، تجاری، اداری و عمومی و فضای باز است که در آن مغازه‌های خرده‌فروشی و خدماتی در یک هسته تجاری با دسترسی آسان نسبت به خانه‌ها قرار گرفته‌اند (حدود ششصد متر یا ده دقیقه پیاده روی). یک ایستگاه حمل و نقل عمومی در هسته این مرکز قرار دارد. استفاده‌ها در مرکز به

می کشیم و چگونه باید از این پدیده خطرناک عبور کرد. این نتیجه‌ای است که در فضای مباحثات نظریه مدیریت شهری محله‌محور به دست می‌آید.

۱. فلسفه مدیریت شهری چیست؟

۱/۱. لزوم وجود معیار ارزیابی مدیریت شهر؛ دلیل بحث از فلسفه مدیریت شهری

خب من از وقت استفاده کنم و وارد مباحثه با شما شده و گزارشم را تکمیل کنم. سرفصل اول و شاید مهم‌ترین سرفصلی که ما در نظریه مدیریت شهری محله‌محور راجع به آن صحبت می‌کنیم سؤال از فلسفه مدیریت شهری است. همه کسانی که در حوزه اداره شهر درگیر هستند باید از خودشان این سؤال را بپرسند که فلسفه اداره شهر چیست. به نظر من این گفتگو انقدر باید پُررنگ شود که در گفتگوهای انتخاباتی شورای شهر بشود یک جواب مشخصی در مورد آن پیدا کرد. صحبت از حکمت و فلسفه مدیریت شهری یک کارکرد مشخص دارد و آن این است که یک معیار بالادستی برای قضاوت راجع به تصمیمات مدیران شهری برای ما به ارمغان می‌آورد.

دو فرض موجود است: فرض اول این است که ما راجع به حکمت یا فلسفه مدیریت شهری گفتگو نمی‌کنیم، در این فرض معیاری برای قضاوت در مورد درستی تصمیمات شورای شهر، شهرداری و سایر ارکان مرتبط با اداره نداریم. فرض دوم این است که این دیدگاه نظری و گفتگوی نظری را می‌پذیریم؛ یعنی به این سؤال پاسخ می‌دهیم. فرض بفرمایید شهردار محترم مشهد وقت می‌گذارند و به این سؤال پاسخ می‌دهند که از نظر من مثلاً فلسفه مدیریت شهری، فلان مفهوم است؛ آن موقع یک معیاری برای قضاوت روی میز خواهد بود. بر اساس آن معیار شما می‌توانید ارزیابی کنید که در یک دوره مدیریت

صورت عمومی بوده و ادارات در طبقات بالاتر از سطح زمین قرار می‌گیرند محدوده‌ای برای استفاده‌های کم تراکم‌تر، هسته مرکز را با فاصله‌ای حدود هزار و ششصد متر احاطه می‌کند. [۳]

[۱] پیتر نیومن و نورث جفری؛ طراحی شهر برای کاهش وابستگی خودرو، ص ۳-۹

[۲] الکس آیمز و کاپلن پییر؛ توسعه اقتصادی و رشد هوشمند، ص ۷-۱۹

[۳] پیتر کالورپ؛ کلان شهر بعدی آمریکا؛ بوم‌شناسی، جامعه و رویای آمریکایی، ص ۱-۷

۲. This document [Building Child Friendly Cities: A framework for action] provides a framework for defining and developing a Child Friendly City. It identifies the steps to build a local system of governance committed to fulfilling children's rights. The framework translates the process needed to implement the UN Convention on the Rights of the Child by national governments into a local government process.

این سند [ساخت شهر دوستدار کودک: دستور کار برای اقدام] چارچوبی برای تعریف و توسعه شهر دوستدار کودک فراهم می‌کند. این اقدامات مراحل ساختن یک سیستم محلی سیاسی متعهد به تحقق حقوق کودکان را مشخص می‌کند. این چارچوب فرایند مورد نیاز برای اجرای کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل توسط دولت‌های ملی را در قالب دولت محلی توضیح می‌دهد.

آدرس مطلب در سایت رسمی یونیسف: yon.ir/XAMvo

۳. MANAGING GROWTH, reducing traffic, creating sustainable development, and making smart transportation investments; these are all challenges we face today. New Urbanism is a development strategy that addresses these issues and more by creating communities that are livable, walkable, & sustainable, while raising the quality of life.

مدیریت رشد، کاهش ترافیک، ایجاد توسعه پایدار و سرمایه‌گذاری در حمل و نقل هوشمند، همه چالش‌هایی است که امروز با آنها روبرو هستیم. نوشهرگرایی (شهرسازی نوین) یک استراتژی توسعه است که با ایجاد جوامعی قابل سکونت، قابل پیمودن و پایدار، ضمن ایجاد کیفیت زندگی، به این موضوعات می‌پردازد.

آدرس مطلب در سایت «New Urbanism»: yon.ir/HVhxd

شهری، ما موفق عمل کرده‌ایم یا نه! پس بحث بسیار مهمی است چون معیار ارزیابی مهم است. انقدر در مورد حکمت مدیریت شهری کم گفتگو می‌شود گاهی وقت‌ها که انسان با دانشجویان ارشد این حوزه هم صحبت می‌کند می‌بیند اطلاعات سطحی و کم‌رنگی در این حوزه مطرح می‌شود. البته این خاصیت علم ترجمه‌ای است که در ایران حاکم شده است. وگرنه اگر شما دانشگاه‌های غربی را بررسی کنید از حیث بحث از فلسفه مدیریت شهری از دانشگاه‌های ما جلوتر است و بیشتر در مورد این مبحث گفتگو می‌کنند. پس این سؤال اول به نظرم یک سؤال مهمی است به دلیل اینکه ما به یک معیار برای ارزیابی حوزه تصمیمات شهر نیاز داریم که آیا درست هستند یا خطا هستند.

۱/۲. تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از منظر اسلام

ما در اینجا با توجه به مجموعه‌ای از مباحثات، ادعا کرده‌ایم که فلسفه مدیریت شهری از نظر اسلام، تربیت است. یعنی اگر یک شهری قرار است ایده‌آل اداره شود مدیران شهری باید غایت آن شهر را مسئله تربیت قرار دهند. حالا البته این کلمه تربیت در اصطلاحات دسته اول دینی با کلمه تزکیه بیان می‌شود که ما به تربیت ترجمه کرده‌ایم تا آسان‌تر راجع به آن بحث کنیم.

ما در نظریه مدیریت شهری محله محور شاید ده دسته استدلال داریم که با اتکای به آن استدلال‌ها می‌گوییم شهر را باید با غایت تربیت اداره کرد؛ مهم‌ترینش این است که در شهر، شما دارید محل زیست انسان‌ها را سازماندهی می‌کنید و مهم‌ترین مسئله‌ای که انسان‌ها دارند این است که خودشان با اختیار، یک نظمی را بپذیرند و تحمیل به آنها اتفاق نیافتد. اگر کسی به این مسئله ساده توجه کرد که ما نمی‌توانیم اختیار انسان‌ها در هیچ حوزه‌ای را سلب کنیم؛ حتی پیامبران که راجع به آخرت صحبت می‌کنند - که آخرت معادل ابدیت است و مسئله بسیار مهمی است - به صراحت می‌گویند «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۴ در نهایت انتخاب با خود فرد مخاطب است، با انسان است. حالا وقتی در مسئله دین اینگونه است در سایر مسائل هم به طریق اولی و با قیاس اولویت می‌توانیم این را جریان بدهیم چون اهمیت سایر مسائل از مسئله ابدیت انسان خیلی کمتر است. بنابراین وقتی شما دارید با انسان‌ها صحبت می‌کنید باید اختیار آنها را به رسمیت بشناسید و نباید آن را با چالش روبرو کنید.

۱/۲/۱. تربیت و تزکیه؛ لازمه اجرای نظم اختیاری

ما دو گزاره داریم خواهش می‌کنم توجه بفرمایید یک گزاره نظم جبری است و یک گزاره هم نظم اختیاری است. در اینکه باید یک جامعه منظم و یک شهر منظم داشته باشیم کسی مناقشه ندارد بحث بر سر این است که نظم را با تحریک اختیار به دست می‌آورید یا به افراد تحمیل می‌کنید. حالا اگر کسی این گزاره را پذیرفت - که تفاوتش واضح است -، آن وقت ما در ادبیات فقهی و ادبیات حوزه‌های علمیه این حرف را می‌زنیم که نظم اختیاری بدون تزکیه امکان ندارد. اساساً تزکیه، فرایند ایجاد نظم اختیاری را برای ما تئوریزه می‌کند؛ ما در تزکیه روی درونی‌سازی متمرکز هستیم. یعنی سعی می‌کنیم با باطن و قلب افراد، راجع به نظم مطلوب خودمان صحبت کنیم. بنابراین وقتی کسی دارد راجع به تربیت و تزکیه سخن می‌کند باید به این معنا توجه کند که تزکیه، فرایند ایجاد نظم اختیاری و درونی‌سازی است. وقتی در اصطلاح پیامبران، مفهوم تزکیه و مفهوم تربیت تکرار می‌شود در واقع پیامبران دارند از یک تکنولوژی پیچیده برای فرایند درونی‌سازی بحث می‌کنند. مقابل این تکنولوژی پیچیده و

۴. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا / انسان، ۳

ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس. [ترجمه انصاریان]

بی نظیر، تکنولوژی ساده‌تحمیل و اداره جامعه به محوریت جبر وجود دارد. البته در دوره‌های مختلف تاریخی (به دلیل اینکه مسئله جبر، یک امر مذمومی است) انسان‌هایی که نمی‌توانستند تزکیه را فهم کنند، شکل‌های مختلفی از جبر را تئوریزه کرده‌اند. مثلاً در آخرین مدل تئوریزه کردن جبر، مفهوم قانون و جامعه مدنی در غرب به وجود آمده است. شما می‌دانید که تقریباً همه حقوق‌دان‌ها بر سر این اجماع دارند که در ذات قانون، جبر خوابیده است و قانون هم ابزار ایجاد نظم است.^۵ پس نتیجه‌اش این می‌شود که ما نظم جبری را دنبال می‌کنیم؛ این، آخرین ایده لیبرالیسم و مدرنیته است که وقتی از آن سؤال می‌کنیم که چگونه بین نظم و فردگرایی جمع می‌کنی پاسخ می‌دهد که ابزار ایجاد نظم، مسئله قانون است. قانون هم یعنی جبر دائمی و همه جانبه؛ چون حوزه قانون‌گذاری همه جانبه است.

مقابل این تکنولوژی که الان مدرنیته پیشنهاد کرده است، ما در حوزه‌های علمیه معتقدیم که به تبع انبیاء باید از ابزار تربیت و تزکیه استفاده کرد تا کمتر تحمیل اتفاق بیفتد تا به تدریج از ایده نظم جبری به ایده نظم اختیاری انتقال پیدا کنیم. جامعه منظم داشته باشیم ولی اختیار، مبنای ایجاد این نظم باشد. خوب این یک بحث مبنایی است. اگر کسی این بحث مبنایی را پذیرفت و چون در حوزه شهر هم یک هماهنگی، برهم‌افزایی و یک نوع نظم احتیاج داریم، پس باید در اینجا هم از ابزار تربیت استفاده کنیم. مدیران شهری اگر دیدگاه‌های نظری خودشان را برجسته کنند - و به اصحاب قدرت و ثروت وابسته نباشند و به این فسادهای مالی آلوده نشوند که متأسفانه برخی‌شان می‌شوند - و اگر فرهیخته باشند و فکر کنند متوجه می‌شوند که اگر تربیت به چالش کشیده شود مجبورند برای عبور از آنارشیسم و بی‌نظمی دائماً تحمیل را توسعه بدهند.

من نمی‌خواهم الان خیلی زبان تلخ و گزنده‌ای داشته باشم ولی ذاتی‌ها بسیار تلخ است از وقتی که شنیدم در این پروژه ساخت میدان شهدای مشهد، چند هزار شاکی از این پیشنهادی که شهرداری مشهد ارائه داده است شکایت کرده‌اند. این یعنی سوختن سرمایه‌های اجتماعی؛ شما یک پروژه عمرانی درست می‌کنید بعد منافع چند هزار نفر نادیده گرفته می‌شود و ناراضی هستند. این یعنی همان جبر، یعنی همان تحمیل. حالا البته مصداق این نوع از نظم فقط این نیست که شما یک طراحی عمرانی انجام داده‌اید و این همه سرمایه‌های اجتماعی را به چالش کشیدید.

من عریضم را جمع کنم: کسی که به تربیت فکر نمی‌کند ناگزیر از این است که جبر را بپذیرد. یک سرّ اینکه کلیدواژه اصلی طلبه‌ها در گفتگوهایشان مسئله تزکیه است این است که می‌خواهند اختیار انسان‌ها توسعه پیدا کند. حالا ممکن است یک طلبه نوعی مثل من نتواند مسئله تزکیه را جا بیاورد ولی این ارزش نظری نظریه تزکیه را کم نمی‌کند و وقتی شما تزکیه را مبنا قرار می‌دهید، حبّ مبنای اداره جامعه قرار می‌گیرد.

در همین دوره‌های اخیر، مثلاً در حوزه امنیت هم بر مبنای همین تزکیه عمل می‌کنیم؛ یعنی چه در ایران که نظریه بسیج اجرا شد، چه در عراق که به حشد الشعبیه تبدیل شد، چه در لبنان که به حزب الله تبدیل شد، در یمن به انصارالله تبدیل شد، ما تقریباً دوازده قمر شیعه داریم که اینها دور خورشید جمهوری اسلامی دارند با نظم موجود جهانی مبارزه می‌کنند. مبنای

۵. افراد سعادت‌ی را که می‌شناسند، نمی‌خواهند و ملت سعادت‌ی را که نمی‌شناسد می‌خواهد. هر دوی آنها احتیاج به راهنما دارند. باید افراد را مجبور ساخت که اراده و میل خود را با عقل وفق دهند. باید به ملت آموخت که آنچه را می‌خواهد بشناسد. در آن موقع است که فکر و ذهن عموم روشن می‌شود و در هیئت اجتماعی، عقل با اراده متحد می‌گردد. آنگاه تمام اجزاء جامعه به خوبی به هم کمک می‌کنند و جامعه نیروی بیشتری به دست می‌آورد. لزوم یک قانون‌گذار در اینجا نمایان می‌گردد.

امنیت در همه این دوازده قمری که در جغرافیا و ژئوپلتیک سیاسی بعد از انقلاب به وجود آمده است، «یا حسین» است. یک فهم از «هیئات منا الذله» است و شما می‌دانید تقریباً تمام دپارتمان‌های امنیتی و نظامی دنیا از این نظمی که فقهای ما ایجاد کرده‌اند کلافه هستند. حالا سؤال بنده این است که ما چگونه از «لیبک یا حسین» خروجی امنیت می‌گیریم؟ شما می‌دانید که در مسئله امنیت با جان - که یک کالای گرانبها برای افراد است - روبرو هستید ولی در جمهوری اسلامی، جمعیت‌هایی اختیاراتاً مدافع حرم و مدافع کلمه اسلام می‌شوند؛ این همان نظم اختیاری است که ما در حوزه امنیت ایجاد کرده‌ایم و الان کارآمدی خودش را دارد. شما دارید می‌بینید که تقریباً دوره عقب نشینی پرچمداران مدرنیته از منطقه انبیا - منطقه به اصطلاح امروزی‌ها: غرب آسیا - شروع شده است.

حالا نمی‌شود این را به سایر حوزه‌ها تعمیم داد؟ یعنی مثلاً ما شهری داشته باشیم که در آن شهر، نظم اختیاری حاکم باشد و شما دائماً با قوانین دست و پاگیر خودتان مردم را اذیت نکنید. از بزرگان ما نقل شده که شهرداری‌ها مظهر سردوانیدن مردم هستند.⁶ شما می‌دانید دستگاه شهرداری یعنی دستگاه پیچیده‌ای که تقریباً هیچ رضایت عمومی‌ای از آن وجود ندارد. البته حساب این نظمی که در قالب بلدیها و شهرداری‌ها ایجاد شده از افرادی که در آنجا مشغول به کار هستند، جداست. این، خاصیت نظم جبری است که این همه تراحم و اصطکاک در روابط انسانی ایجاد می‌کند. من از این بحث عبور کنم ولی توجه داشته باشید که ما در این بخش، نه دسته استدلال دیگر هم داریم.

پس استدلال اول برای این معنا که می‌گوییم «در مدیریت شهری به امر تربیت نیاز داریم» مسئله نیاز همه ما به نظم اختیاری است. اهمیت نظم اختیاری در مدیریت شهری بسیار خوب درک می‌شود. یعنی تقریباً همه متوجه می‌شوند که نظم موجود یک نظم جبری است و به خلاف منافعشان است. من دیگر بیشتر از این، وارد تشریح آن نمی‌شوم.

۲. نهاد اصلی متکفل تربیت چیست؟

یک سؤالی در اینجا به وجود می‌آید: اگر ما بخواهیم تربیت را جدی بگیریم تا میوه آن نظم اختیاری و کاهش روابط انسانی مبتنی بر اصطکاک بشود، نهاد اصلی متکفل تربیت چیست؟ روی کدام نهاد سرمایه‌گذاری کنیم تا ابرمسئله تربیت تعمیم شود؟

۲/۱. خانواده؛ نهاد اصلی متکفل تربیت

باز ما اینجا با مجموعه از استدلال‌ها در نظریه مدیریت شهری محله محور عرض کرده‌ایم که نهاد اصلی متکفل تربیت، نهاد خانواده است. شما اگر می‌خواهید تزکیه و تربیت را در جامعه‌ای فریه کنید نمی‌توانید جایی غیر از خانواده سرمایه‌گذاری کنید حتی نمی‌توانید روی مسجد و منبر هم به عنوان محور اصلی سرمایه‌گذاری کنید. بالاخره ممکن است برخی تصور کنند که مسجد و منبر، متغیر اصلی تزکیه و تربیت است. اگر چنین تصویری باشد می‌شود به آن اشکالاتی وارد کرد اما اگر نه! شما گفتید ما از طریق مسجد و منبر، خانواده را تقویت می‌کنیم و خانواده خودش مباشر در تزکیه است، این حرف درستی است و می‌شود از آن دفاع کرد. یا دیده‌ام برخی‌ها می‌گویند ما از رسانه‌ها استفاده کنیم تا برخی از مسائل را مطرح کنیم. مثلاً گفته

۶. دیدار منتخبان مردم در شورای شهر تهران با رهبر انقلاب: ... مقام معظم رهبری در بخش دیگری از سخنانشان به مسائل شهر تهران و مشکلات مردم در مراجعه به شهرداریها اشاره کردند و افزودند: سخت‌گیریهایی بی‌جا، معطل کردن و سردوانیدن مردم، و استفاده از برخی روشهای غیراخلاقی در قبال مردم از جمله مشکلاتی است که باید بموازات مبارزه قاطع و پیگیر با فساد، حل شود.

میشود که وظیفه رسانه ها امر به معروف و نهی از منکر است یا وظیفه رسانه ها تقویت مباحثات تربیتی است^۷؛ البته ممکن است رسانه اثر داشته باشد اما نهاد اصلی نیست. در هر جامعه ای که خانواده به چالش کشیده شود، تزکیه و تربیت به چالش کشیده میشود و کماینکه عرض کردم اگر تزکیه و تربیت به چالش کشیده شود، شما مجبور میشوید با جبر -ولو جبر مدرن- جامعه را اداره کنید.

۲/۱/۱. حضور حداکثری ایثار (اوج تزکیه) در خانواده؛ دلیل انتخاب خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل تربیت

یکی از آن مجموعه استدلال هایی که کمک میکند تا اثبات شود که خانواده نهاد اصلی تزکیه و تربیت است، این است: در خانواده رفتارها مبتنی بر ایثار اثر میگذرد و تقریباً خانواده ای که طرفین خانواده بر همدیگر تحمیل میکنند، اساساً بقا ندارد. وقتی خانواده های موفق را ارزیابی میکنید، متوجه میشوید که طرفین اهل ایثار هستند و «الإیثارُ أعلی المکارم»^۸. بنده مثال میزنم تا واضح شود؛ در روایت هست که مردهای خوب و مردهایی که پیامبر آنها را تشویق میکند، چند ویژگی دارند که یکی از آنها این است که حتی در حد غذا خوردن -مثلاً در حد اینکه قرار است خانواده در شام و صبحانه چه میل کند- میل خودشان را به اهل خانواده تحمیل نمیکنند و ملعون است مردی که اشتهای خودش را به اشتهای عیال خودش و خانواده خودش تحمیل کند^۹؛ یعنی تا این حد در مورد مسئله ایثار بحث شده است. بالاخره انسان ها دوست دارند غذاهایی را استفاده کنند، اسلام توصیه کرده است در برخورد با خانمتان و بچه هایتان بگذارید نوع غذا را آنها معلوم کنند. کاملاً روشن است که چه مقدار توصیه کاربردی ای است، چنین مردی در ذهن خانواده اش عظمت پیدا میکند و در آن صورت تدبیرها و توصیه های او، نفوذ بیشتری پیدا میکند؛ چون ابزار اصلی نفوذ، رفق است و هرکس محبت بیشتری دارد، نفوذ بیشتری دارد. طبیعت آدمها این است.

یا مثلاً در روایات اینگونه است که مرد باید عین نفقه را برای خانواده اش تامین کند؛ («عین» نفقه یعنی چه؟ یعنی خود گوشت، خود نان و باید عین هر چیزی که احتیاج است را تامین کرد و نه پولش را. یعنی تا این حد مرد باید پشتیبانی و محبت به اعضای خانواده کند.^{۱۰}

۷. نصرالله شفيعی (رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی بوشهر): مهمترین وظیفه رسانه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است... آدرس مطلب در خبرگزاری دفاع مقدس: da.ir/2ERk

۸. الإمام علی عليه السلام: الإیثارُ أعلی المکارم.

امام علی عليه السلام: ایثار، عالی ترین خصلت اخلاقی است.

غیر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۵۴

۹. علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلي عن السكوني عن أبي عبد الله عن آبائه عليهم السلام: قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ وَالْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ.

سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: مؤمن به اشتهای خانواده خود غذا می خورد و خانواده منافق به خواسته او غذا می خوردند.

الکافی، ج ۴، ص ۱۲

۱۰. حالا چون معمولاً خانم ها در جامعه ما مظلوم تر هستند، بنده روایات طرف تکالیف مرد بر مبنای ایثار را میگویم و تکالیف طرف خانم ها را میگذاریم وقت دیگری بحث میکنیم.

یا مثلا به عنوان مورد سوم عرض میکنم: اگر خانم خانه خواست در خانه کار کند و عمده کار در خانه هم یکی رسیدگی به امور کودکان است که از شیردهی تا مدیریت نظافت کودکان را شامل میشود و یکی هم مدیریت غذا و مانند اینها، حالا اگر طلب اجر و مزد از همسرش کرد، طبق دین پیامبر مرد باید علاوه بر نفقه یک مزد جداگانه‌ای را برای این امر در نظر بگیرد؛ یعنی هیچ مردی نمیتواند طبق شریعت پیامبر برای تربیت کودک و کارهای روزمره خانه همسر خود را مجبور کند. این یک پدیده پیشرفته‌ای است که در هیچ نظام حقوقی این بحث‌ها را پیدا نمیکنید که این همه در آن خانم‌ها محترم و مورد حمایت باشند. اگر شما تمام کتاب‌های فمینیست‌ها^{۱۱} را هم بررسی کنید، شاید بتوانید یک دهم این توصیه‌ها را آنجا پیدا کنید. حالا البته بنده تنها خواستم تا مثال زده باشم که ایثار یعنی چه، تزکیه یعنی چه و چرا در نهاد خانواده وجود دارد. از آن طرف مردی هم که این کارها را میکند، به او تحمیل نمیشود بلکه محبوبیت و نفوذ کلمه او افزایش میابد و خیلی فواید برای مرد خانه دارد.

پس وقتی می‌گوییم تزکیه در نهاد خانواده اتفاق میافتد، این را بدانیم که اوج تزکیه مسئله ایثار است و این ایثار یک حرف کلی نیست، بلکه یک مصادیقی دارد که اگر آن مصادیق نباشد، دائما در خانه نزاع به وجود میاید. خیلی خب پس یک استدلال این بخش دوم را هم گفتم. شما فکر کنید در یک خانواده ای ایثار و محبت به این نحوی که سعی کردم توضیح دهم وجود داشته باشد، پس حتما نظم اختیاری حاکم میشود؛ چون درون مایه نظم اختیاری رفق و محبت است. بدون رفق و محبت نمیتوانید نظم اختیاری را حاکم کنید.

حالا چون نزدیک به معجزه اربعین هستیم من یک نکته‌ای را از باب مناسبت عرض میکنم: گاهی گفته میشود بیش از بیست میلیون نفر بدون امر هیچ حاکمی و در بعضی از شرایط حتی بدون امنیت جانی - در طول دوره‌های تاریخی اینگونه بوده است و الان هم کم و بیش هست - با سختی‌های جسمی زیاد و تازه هزینه هم باید بکنند، اما میبینید که یک حرکت اختیاری اتفاق افتاده است. من همیشه در مباحثات این روزها میگویم که مهمترین ویژگی اربعین - که مرا خیلی مجذوب خود کرده است - خودکنترلی مردم در اربعین است. در آنجا حتی اگر حکومت‌ها بخواهند هم نمیتوانند نظم را حاکم کنند، اصلا در آن چهل - پنجاه روزی که پدیده اربعین در جریان است کسی نمیتواند به نحو جبری و قانونی نظم را حاکم کند اما شما میبینید که واقعا بر مبنای اختیار نظمی شکل میگیرد. نظم حول امام که در اربعین وجود دارد، خیلی نظم پیشرفته‌ای است. این مثال دیگر نظم اختیاری بود.

به هر حال از نظر ما اگر کسی میخواهد نظم اختیاری داشته باشد باید تربیت را برجسته کند و اگر هم کسی بخواهد تربیت را برجسته کند، باید به خانواده اهمیت دهد.

خب تا اینجا من تقریبا بخش اصلی نظریه مدیریت شهری محله محور را تشریح کردم؛ یعنی ما در آینده یک شهری داریم - بنده راجع به مشهد آینده صحبت میکنم - که در آن شهر، مدیران شهری اهمیت اصلی را به تربیت و نهاد اصلی متکفل آن میدهند؛ یعنی نیاز خانواده‌ها، شرایط زیست آنها، برنامه ریزی برای اینکه این خانواده‌ها از حیث عواطف و از حیث روابط فریه شوند، اینها موضوع اصلی مدیران شهری است. اگر یک لحظه به آینده - مثلا بیست سال دیگر - برویم، که در آن مدیران شهری دارند گفتگو میکنند، همه همت آنها این است که یک کاری کنند تا خانواده‌ها بهتر زندگی کنند. این آینده ماست.

۱۱. Feminism, the belief in social, economic, and political equality of the sexes.

فمینیسم، اعتقاد به تساوی حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زن و مرد گویند.

۳. چه عواملی بر تقویت نهاد خانواده اثر میگذارند؟

از اینجا وارد سرفصل سوم شوم؛ یک سؤالی پیدا میشود: چه عواملی کمک میکنند تا خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل تربیت تقویت شود؟ در مجموع دو دسته عامل برای تقویت نهاد خانواده وجود دارد:

۳/۱. عوامل درونی و بیرونی؛ دو دسته عامل اثرگذار بر تقویت نهاد خانواده

دسته اول عوامل مؤثر بر تقویت نهاد خانواده، عوامل درونی است. تعریف عوامل درونی چیست؟ یعنی مجموعه اقداماتی که اعضای خانواده در مورد خانواده انجام میدهند تا خانواده تقویت شود. این یک دسته از عوامل است که حالا مثال خواهم زد.

یک دسته دیگری از عوامل، عوامل بیرونی مؤثر بر تقویت نهاد خانواده است. تعریف این عوامل چیست؟ یعنی عواملی که بر خانواده تأثیر دارد اما اختیار آن به دست اهل خانه نیست. تفاوت عوامل درونی و بیرونی در مسئله اختیار خانواده‌هاست؛ یعنی اگر یک خانواده‌ای بخواهد در یک مسئله بیرونی اقدام کند، نمیتواند کاری کند. حالا بنده برای هر دو مثال میزنم تا واضح شود:

۳/۱/۱. ازدواج دادن به موقع فرزندان؛ یک نمونه از عوامل درونی مؤثر بر تقویت نهاد خانواده

مثلا در بخش عوامل درونی، در روایات و آیات داریم که «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامِيَّ»^{۱۲} میفرماید مجردهای خودتان را زن دهید و نفرموده که مجردها بروند زن بگیرند، بلکه به پدر و مادرها و اعضای خانواده امر فرموده است. میگوید بروید کاری کنید تا مجردها زود ازدواج کنند. در آیات و روایات هم برای ازدواج ده خاصیت شمرده شده است - بنا بر آن جمع بندی که ما کردیم -:

اول آن این است که ازدواج به موقع سلامت جسمی میآورد؛ یعنی خود همین سلامت جسمی که همه میفهمیم در فرض ازدواج به موقع [رخ میدهد]. ازدواج به موقع هم از نظر آیات و روایات آن زمانی است که در شخص میل عاطفی و میل جنسی احیا میشود.^{۱۳} انسان‌ها در دوره‌ای از حیات خود، میل عاطفی به جنس مخالف پیدا میکنند و بعد میل جنسی پیدا میکنند؛ این زمان ازدواج است ولو اینکه دست آنها از نظر مالی خالی باشد، ولو اینکه ما - آدم‌ها دوره مدرنیته - بگویم از لحاظ فکری و عقلی پخته نیستند و از این حرف‌ها بزنیم. حالا بعداً خواهیم گفت که چرا وقتی در روایات گفته است ازدواج به موقع، یعنی زمانی که عواطف و غریزه جنسی احیا میشود. بنابراین معنای ازدواج به موقع را در پراتز گفتیم.

حالا اگر کسی ازدواج به موقع کرد سلامت جسمی اش تامین میشود. حتی بنده اخیراً دیده‌ام که پوزیتویست‌ها^{۱۴} هم این حرف‌ها را در مقالاتشان میگویند؛ مثلاً میگویند وقتی خانم‌ها دیر ازدواج میکنند، عقیم میشوند و متابولیسم^{۱۵} و

۱۲. وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامِيَّ مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ / نور، ۳۲

[مردان و زنان] بی همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست اند، خدا آنان را از فضل خود بی نیاز می کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. [ترجمه انصاریان]

۱۳. قال رسول الله ﷺ: يا معشر الشبان من استطاع منكم الباه فليتزوج و لم يستطعها فليد من الصوم فإنه له وجاء.

رسول خدا ﷺ می فرماید: «ای جمعیت جوانان، هر يك از شما اگر توان انجام جماع را دارد، پس ازدواج کند و کسی که توان آن را ندارد، پس به انجام روزه روی بیاورد که نیروی غریزه جنسی او فروکش خواهد کرد.»

بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰

۱۴. Positivism, in Western philosophy, generally, any system that confines itself to the data of experience and excludes a priori or metaphysical speculations.

فیزیولوژی^{۱۶} بدنشان به سمت عقیم شدن میل پیدا میکند^{۱۷} یا مثلاً اختلالات سلولی به وجود میاید که این اختلالات سلولی ممکن است بعداً در کارکرد اعضای بدن تأثیر بگذارد. یک علامت مشخصی بر این مطلب وجود دارد و آن این است که مثلاً در این دو-سه دهه اخیر که سن ازدواج بالا رفته است، تقریباً به تفکیک، آمار میزان بیماری های جسمی و عضوی ارتقا پیدا کرده است^{۱۸}. البته بعضی میخوانند علت آن را به امر دیگری برگردانند اما ما با ادله ای اثبات میکنیم این مسئله به اینکه عاطفه دریافتی اینها کم شده است برمیگردد.

مثلاً یکی از آن ادله این است که روح، بر جسم حاکم است؛ اگر به یک کسی محبت نکنید، جسم او را هم به چالش کشیده اید. حالا ما اینجا یک بحث فنی در حوزه پزشکی داریم که جای آن نیست تا بشکافیم. پس یکی از خاصیت ها این است که ازدواج به موقع سلامت جسمی ایجاد میکند.

خاصیت دهم و آخری هم که بحث میکنیم این است که ازدواج به موقع رشد عقلی میاورد. یعنی اتفاقاً زمانی که انسان درگیر روابط انسانی میشود، به لحاظ عقلی و فکری پخته میشود؛ یعنی اینگونه نیست که فکر کنید ابتدا آدم ها عقلاً پخته میشوند و بعد باید ازدواج کنند. از نظر تفکرات انبیا قضیه برعکس است، هرچه آدم هایی در محیط های انسانی بیشتر مسئولیت بپذیرند و بیشتر درگیر باشند، اینها پخته تر هستند. مانند آن روایاتی که میفرماید: «مدارا نصف عقل است.»^{۱۹} مدرا یعنی آنکه بتوانید

پوزیتیویم، در فلسفه غرب به طور کلی به هر سیستمی که خود را محدود به داده های تجربی کند و معرفت های پیشینی [چیزی شبیه به علم حضوری] یا متافیزیکی را حذف کند گفته می شود.

آدرس مطلب در دانشنامه جهانی بریتانیکا yon.ir/qzN0P

۱۵. متابولیسم (Metabolism) عبارت است از فرآیندهای شیمیایی که در تمام و یا بخشی از پیکره موجودات زنده روی می دهد.

فرهنگ زیست شناسی، ص ۶۱۹

۱۶. Physiology, study of the functioning of living organisms, animal or plant, and of the functioning of their constituent tissues or cells.

فیزیولوژی، مطالعه عملکرد ارگانیسم های زنده، حیوان یا گیاه، و عملکرد بافت های سازنده آن ها و یا سلول هاست.

آدرس مطلب در دانشنامه بریتانیکا: ytre.ir/physiology

۱۷. Western Europe responded to the Malthusian challenge of overpopulation in the nineteenth century with an increase in the marriage age, which significantly cut fertility.

اروپا در قرن نوزدهم با افزایش سن ازدواج که باروری را به طور قابل توجهی کاهش داد، واکنش نشان داد.

آدرس مطلب از سایت PubMed: ytre.ir/pubmed

۱۸. برای مشاهده آمار بیماری های چند دهه اخیر ر.ک پیوست شماره ۱.

۱۹. قال الحسن علیه السلام حسن السؤال نصف العلم و مداراة الناس نصف العقل و القصد في المعيشة نصف المثونة.

امام حسن علیه السلام می فرماید سوال خوب نصف علم است و مدارا با مردم نصف عقل است

شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۱۰۸

وَ بِإِسْنَادِهِ [شيخ صدوق] عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّتِهِ لِمُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ قَالَ: وَ أَحْسِنِ إِلَى جَمِيعِ النَّاسِ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ وَ إِزْضَ لَهُمْ مَا تَرْضَاهُ لِنَفْسِكَ وَ اسْتَقْبِحْ لَهُمْ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ وَ حَسِّنْ مَعَ النَّاسِ خُلُقَكَ حَتَّى إِذَا غَبَتَ عَنْهُمْ حُنُوُ إِلَيْكَ وَ إِذَا مَتَّ بَكُوا عَلَيْكَ وَ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الَّذِينَ يُقَالُ عِنْدَ مَوْتِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ اعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَدَارَاةُ النَّاسِ وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يِعَاشِرُ بِالْمَعْرُوفِ مَنْ لَا بُدَّ مِنْ مُعَاشَرَتِهِ حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ إِلَى الْخَلَاصِ مِنْهُ سَبِيلًا فَإِنِّي وَجَدْتُ جَمِيعَ مَا يَتَعَاشَرُونَ بِهِ النَّاسَ وَ بِهِ يَتَعَاشَرُونَ مِلَّةً مَكِّيَالٍ ثَلَاثًا اسْتِحْسَانًا وَ ثَلَاثَةً تَعَافُلًا.

علی علیه السلام در وصیت خود به فرزندش محمد حنفیه فرمود: به همه مردم نیکی کن آن چنان که می خواهی به تو نیکی کنند، آنچه را که برای خودت می پسندی برای آنان نیز ببسند، و آنچه که برای خویشان نمی پسندی برای دیگران نیز ببسند، اخلاقت را با مردم نیکو کن تا در غیابت به تو محبت

در روابط انسانی خوب مدیریت کنید. اصلا مدارا کردن در روابط انسانی علامتی است برای آنکه کسی عقلش زیاد است و حداقل نصف عقل را دارد. لذا یکی از کارکردهای ازدواج این است که انسان‌ها را پخته‌تر کند.

البته ما در ظلمات مدرنیته زندگی میکنیم و گفته میشود که افراد باید ابتدا پخته شوند و بعد بروند ازدواج کنند. اینجا داخل پراتز بگویم که سؤالی به وجود میاید که واقعا جوان‌ها نپخته و خام هستند، پس چگونه مشکلات زندگی مشترک را بپذیرند؟ علاج آن همان آیه ای است که ابتدا خواندم؛ اصطلاحا از آن آیه استنباط میکنیم که ازدواج اول، یک ازدواج حمایتی است؛ یعنی پدر و مادرها تا زمانی که فرزندان پخته شوند و سرپا بایستند، وظیفهٔ حمایت دارند و حمایت آنها هم دوازده دسته حمایت است که بعدا در یک جلساتی بحث میکنم. اگر پدر و مادر دوازده دسته کار در قبال فرزندان انجام دهند، در یک دورهٔ سه-چهار ساله چنان فرزند رشد عقلی پیدا میکند که بعدا همهٔ این وابستگی‌ها برطرف میشود و فرزند به استقلال میرسد.

پس یک مثال برای عوامل درونی مطرح شد. حالا میل و اختیار برای شما و تمام آدم‌هاست، پدر و مادرها میتوانند ازدواج به موقع را که یک عامل تقویت کننده نهاد خانواده است، به هزار دلیل نپذیرند؛ پس آن ده دسته خاصیت را از دست میدهند. چه کسی انکار میکند که ما هر روز مشکلات امنیتی را به برادران محترم نیروی انتظامی حواله میدهیم؟! انتظار داریم که ایشان همهٔ چالش‌ها را مدیریت کنند، درحالی که بسیاری از این چالش‌ها برای این است که جوان‌های ما در آن سنی که باید محبت دریافت کنند، محیط دریافت رفق آن‌ها از بین رفته است. انسان وقتی به سن استقلال میرسد، محیط اصلی دریافت رفق، همسرش میشود، اما تا قبل از سن استقلال پدر و مادر محیط اصلی دریافت رفق هستند. خب فرزندان به سن استقلال میرسد و شما هم محیط دریافت رفق او را تامین نمیکنید، پس در قالب بروز ناهنجاری‌های اجتماعی عوارض آن را مشاهده میکنید؛ بعد به نیروی انتظامی میگویید بروید و این مسائل را مدیریت کنید.

پس وقتی میگوییم عوامل درونی، یکی از آن‌ها ازدواج به موقع است که حالا من در اینجا عدد «ده» را گفتم؛ یعنی ده دسته خاصیت وجود دارد، عدد «دوازده» را هم گفتم که یعنی پدر و مادر باید دوازده کار کنند تا طی دو-سه سال فرزند راه بیافتد. این خودش یک بحثی است که باید راجع به آن بعدا صحبت کنم.

۳/۱/۲. مدیریت مشاغل؛ یک نمونه از عوامل بیرونی مؤثر بر تقویت نهاد خانواده

حالا یک مثال هم برای عوامل بیرونی مؤثر بر تقویت نهاد خانواده بزنیم؛ مثلا نوع شغل جزو مسائل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده است. مثلا کسی در عسلویه شاغل است. نمیدانم شما قراردادهای کاری عسلویه را دیده اید یا نه، این قراردادها جزو ضالّه ترین قراردادهای کاری تاریخ بشر است! بعضی از این قراردادها بیست و پنج روز فرد کارگر را در محل کار نگه میدارد و تنها پنج روز اجازه میدهد که پیش خانواده برود.^{۲۰}

ورزند، و اگر مردی برایت اشک ریزند، و «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» گویند، و از کسانی مباش که در مرگش بگویند: الحمد لله رب العالمین، بدان که مدارا کردن با مردم پس از ایمان به خدای عزّ و جل سرآمد عقل است، کسی که با همشینانش خوب معاشرت نکند، خیری در او نیست. و آنان که ناچارند با وی معاشرت نمایند، خداوند برای رهایی از شرّ او راه نجاتی قرار می‌دهد. -آنگاه فرمود: -من تمام زندگی و معاشرت مردم با یک دیگر را به منزلهٔ پیمانۀ پر می‌پندارم که دو جزء آن جلب محبّت و نیکی کردن، و یک جزء دیگرش در غفلت به سر بردن است. [ترجمه فارابی]
وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۲ و مشابه: تحف العقول، ص ۴۲

۲۰. گزارش خبرگزاری «نفت ما» از اعتراض کارکنان منطقهٔ پتروشیمی عسلویه نسبت به ساعت کاری:

اگر فردی در عسلویه کار کند، آیا اگر هم بخواهد می‌تواند به نزد خانواده خود برود و آن‌ها را حمایت کند؟ خیر، نخواهد توانست. اختیار در دست کارفرما، وزارت کار و وزارت نفت است. من همیشه با آن‌ها مقداری صریح و غیر دیپلماتیک حرف می‌زنم و می‌گویم شما دارید با این مدل‌های طراحی شغلی که در دستور کار قرار داده‌اید، خانواده‌های ایرانی را دچار فروپاشی می‌کنید و البته در تلویزیون هم می‌آید و می‌گویید شغل ایجاد کردیم! من طلبه هم که تریبون دارم، هیچ اعتراضی به شما نمی‌کنم که درست است که این شغلی که ایجاد کردی، دو میلیون تومان درآمد برای شخص ایجاد می‌کند ولی همه چیز او را از بین می‌برد. مشهد دارد این‌طور می‌شود. تهران این‌طور شده و مشهد هم در حال حرکت به این سمت است.

ما با پدیده شهرهای خوابگاهی روبرو هستیم. خوب است که وزارت مسکن و شهرسازی ما به این حرف‌ها توجه کند. مثلاً کرج و ورامین و اسلام‌شهر و پاکدشت تبدیل به خوابگاه تهران شده‌اند. همه شما به شهرهای خوابگاهی رفته و آن‌ها را دیده‌اید. فرد باید دو ساعت برود تا به محل کارش برسد و دو ساعت هم به خاطر این ترافیک‌هایی که هست باید به منزل بازگردد. هشت ساعت هم در محیط کار مشغول است؛ یعنی دوازده ساعت برای مسئله شغل اختصاص پیدا می‌کند. این فردی که دوازده ساعت برای شغل می‌گذارد، وقتی به خانه می‌رود فقط می‌خواهد! البته این در فرضی است که بتواند بخوابد! چون وقتی شخصی خسته و فرسوده است، به راحتی نمی‌تواند بخوابد؛ بنابراین این دیگر نمی‌تواند پدر و همسر خوبی باشد. مدرنیته برای ما شغل ایجاد کرده ولی این‌ها به قیمت نابودی همه شئون زندگی است. خواستم مثالی برای این بزنم که متوجه شوید وقتی می‌گوییم عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده چه طور خانواده را به چالش می‌کشد، یکی از آن‌ها مدل شغل است. من به صراحت عرض کنم: تمام وزارت خانه‌های ما از این ضربه‌ها به نهاد خانواده می‌زنند و برای نهاد خانواده چالش ایجاد می‌کنند.

شغل در روایات ما نه ویژگی دارد؛ ویژگی اول این است که زمان آن حداکثر باید یک چهارم وقت روزانه باشد.^{۳۱} الان با اینکه ۴۰ سال هم هست که از انقلاب گذشته است ولی چون ما طلبه‌ها تبلی می‌کنیم و نمی‌رویم بعضی چیزها را اصلاح کنیم، قانون جمهوری اسلامی این است که نزدیک به ۸ ساعت [زمان تعیین شده برای شغل است]^{۳۲} از این مسئله می‌توان به این پی

«...هم‌اکنون کارکنان به صورت ۲۵ روز کار در عسلویه و ۵ روز استراحت فعالیت دارند. متأسفانه علتی که تا به حال برای عدم اجرایی شدن این تدبیر عنوان شده است، مخالفت مدیران عامل شرکت‌ها به بهانه افزایش هزینه‌ها می‌باشد...»

آدرس مطلب در سایت خبرگزاری «نفت‌ما»: yon.ir/okPqy

۲۱. الإمام الكاظم عليه السلام: اجتهدوا في أن يكونَ زمانُكم أربعَ ساعاتٍ: ساعةٌ لِمُناجاةِ اللَّهِ، وساعةٌ لِأمرِ المَعاشِ، وساعةٌ لِمُعاشرةِ الإخوانِ وَالثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعرَفونَكمُ غُيوبَكمُ وَيَخْلُصونَ لَكمُ في الباطِنِ، وساعةٌ تَخْلونَ فيها لِلذاتِكمُ فيغَيِّرُ مُحَرِّمَ.

امام کاظم عليه السلام: در آن بکوشید که اوقاتان، چهار بخش باشد: بخشی برای راز و نیاز با خداوند؛ بخشی برای کار معاش؛ بخشی برای معاشرت با برادران و دوستان مورد اعتماد، آنان که عیب هایتان را به شما گوشزد می‌کنند و با شما خالص و یکرنگ‌اند؛ و بخشی برای بهره‌برداری از لذت‌های حلالتان.

بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴

۲۲. ساعت کار قانونی روزانه ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه است.

سایت وزارت کار رفاه و تعاون اجتماعی، بخش سوالات متداول، بخش دوازدهم (تعطیلات و مرخصی‌ها)

برد که قانون‌گذاران تصور کرده‌اند همه‌چیز مسئله شغل و اقتصاد است و بقیه شئون را عملاً حذف کرده‌اند! یک جمعیت‌هایی در قدیم بودند که شمشیر می‌کشیدند و خانه مردم را خراب می‌کردند و نمی‌گذاشتند مردم دین‌دار باشند، حالا آن مدل شمشیر کشیدن و دعوا کردن به یک سری مدل نرم تبدیل شده‌است اما همان اثر را دارد که یکی همین طراحی شغل است. سنجه‌های ارزیابی بازار کار باید تغییر پیدا کند. آقایان این انداز برادر کوچکتان را جدی بگیرید، ما نمی‌توانیم ارزیابی بازار کار ایران را به دست سازمان بین‌المللی کار^{۲۳} بدهیم که آن هم در قالب بیانیه فیلادلفیا^{۲۴} عمل کند. سنجه‌های ارزیابی کار باید بر اساس فقه شیعه و بر اساس «فقه‌المکاسب»^{۲۵} طراحی شود. من طلبه در حوزه مکاسب می‌خوانم و مکاسب هم به هیچ درد جامعه نمی‌خورد، چون دیگران کار را تعریف و طراحی می‌کنند؛ پیامبر ﷺ هم فرمود: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»^{۲۶} یعنی وقتی شما عبادت را تجزیه می‌کنید به ده بخش تقسیم می‌شود و نه تا از آن در شغل است؛ یعنی وقتی شغل خراب می‌شود، از دیدن داری تنها یک دهم باقی می‌ماند. ما الآن این چالش را داریم. پس تعریف «عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده» هم معلوم شد؛ یعنی عواملی که در دست نظام جامعه است و آن عوامل به نهاد خانواده ضربه می‌زند. پس این هم ساختار سوم عرایض بنده بود. مقداری به حوزه برنامه‌ریزی نزدیک می‌شویم.

من مباحث را تا اینجا یک‌بار دوره بکنم؛ ما به دلیل محبوبیت نظم اختیاری، به تکنولوژی تزکیه احتیاج داریم. تزکیه و تربیت را در نهاد خانواده می‌توانیم به دست بیاوریم. نهاد خانواده را با دو دسته عامل می‌توان تقویت یا تضعیف کرد؛ عوامل درونی مؤثر بر نهاد خانواده و عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده. حال از اینجا یک سؤالی متولد می‌شود: از آنجا که دخالت مدیریت شهری در نهاد خانواده از باب عوامل بیرونی است، پس مدیریت شهری چگونه عمل کند تا از باب عوامل بیرونی، خانواده را تضعیف نکند؟ اصل بحث این است.

۴. نحوه اداره شهر چگونه باشد تا نهاد خانواده تضعیف نشود؟

چه طور ما دقیقاً شهر را اداره کنیم که نهاد خانواده تضعیف نشود؟ در واقع این هسته اصلی نظریه مدیریت شهری ماست.

۲۳. ILO سازمان بین‌المللی کار و یکی از زیرمجموعه‌های سازمان ملل.

The General Conference of the International Labour Organization, meeting in its Twenty-sixth Session in Philadelphia, hereby adopts, this tenth day of May in the year nineteen hundred and forty-four, the present Declaration of the aims and purposes of the International Labour Organization and of the principles which should inspire the policy of its Members..

کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در بیست و ششمین اجلاس خود در فیلادلفیا در تاریخ ۱۰ مه ۱۹۴۴ اعلامیه حاضر را درباره اهداف و مقاصد سازمان بین‌المللی کار و اصولی که باید الهام بخش سیاست اعضای آن باشد به تصویب می‌رساند. جهت مشاهده متن کامل این بیانیه می‌توانید به لینک زیر مراجعه کنید:

سازمان بین‌المللی کار: yon.ir/eisq1

۲۵. برای آشنایی با سرفصل‌ها و اجمال مطالب «فقه‌المکاسب» به پیاده ده جلسه برگزار شده از تاریخ ۲۱ تا ۳۱ شهریور ۹۸ در شهر قم مراجعه کنید. پیاده این جلسات در کانال الگوی پیشرفت اسلامی (به آدرس eita.com/olgou4) قرار داده شده است.

۲۶. وَ قَالَ [رسول الله] ﷺ: الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

رسول خدا ﷺ فرمود: عبادت ده بخش است که نه بخش آن طلب روزی حلال می‌باشد.

جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۱۳۹ / بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹

۴/۱. تعریف محله به مکان استقرار خانه و استراحت؛ تعریف غلط از محله‌های فعلی در مدیریت شهری

ما گفته‌ایم: تعریف محله جزو عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده است. می‌توان محله را غلط تعریف کرد و در نتیجه نهاد خانواده را تضعیف کرد و می‌توان محله را درست تعریف کرد تا نهاد خانواده تقویت شود. حال تعریف درست از محله حامی خانواده و تعریف غلط از محله‌ای که مضر به حال خانواده است، چیست؟ محله با تعریف غلط یعنی محل استقرار خانه و محل استراحت اهالی و اعضای خانواده. الآن در وضعیت فعلی این‌طور است. انسان‌ها برای خواب و استراحت به خانه می‌روند، یعنی خانه به خوابگاه تبدیل شده و محله هم به معنای محل استقرار این خوابگاه‌هاست، البته اسم آن به «آپارتمان» و «مجتمع مسکونی» تبدیل شده است. الآن ما مجتمع‌های آپارتمانی داریم.

۴/۱/۱. تفریح؛ اولین نیاز نادیده گرفته شده زندگی خانواده در قالب محله‌های فعلی

ما ده‌ها مورد از این‌ها را بررسی میدانی کردیم و متوجه شدیم که تفریح ساکنان این مجتمع‌ها در خانه نیست. نمی‌دانم این چند دسته مقررات ملی ساختمان^{۲۷} را دیده‌اید یا خیر. آن‌ها تنها فضای فیزیکی و کالبدی خانواده را بحث کردند؛ مثلاً به نظر ما مقررات ملی ساختمان باید در بخش اول، تفریح در خانه را بحث کند؛ چرا؟ چون خانه محل زندگی است و اگر تفریح را به داخل خانه نبرید، دائماً افراد خسته می‌شوند و به خارج از خانه می‌آیند. تفریح در فقه ما ده ساختار دارد و برای نمونه یکی از آن‌ها مدیریت آب است. قدیم‌ها مدیریت آب در خانه را در قالب حوض طراحی می‌کردند که الآن نمی‌خواهم وارد این بحث شوم؛ غیر از مسئله ایجاد فرح از طریق آب، ایجاد فرح از نه بخش دیگر هم ایجاد می‌شود. وقتی شما در مقررات ملی ساختمان اصلاً مکانیزم‌های ایجاد تفریح را بحث نکردید، وقتی تنها همین یک متغیر را ندیدید، افراد از خانه به بهانه تفریح بیرون می‌آیند. امروزه شهر و خانه مبتنی بر تفریح نیست.

۴/۱/۲. شغل؛ دومین نیاز نادیده گرفته شده زندگی خانواده در قالب محله‌های فعلی

الآن مسئله شغل هم به شرحی که عرض کردم نزدیک محل خانه نیست؛ بنابراین این هم کمک می‌کند که خانه فقط به خوابگاه تبدیل شود. ما در بعضی از نمونه‌ها که بررسی کردیم، مشاهده کردیم کسانی که شغلشان نزدیک خانه است و مثلاً غذایشان را با همسرشان میل می‌کنند، خود این یک نوع تفریح، هم برای خانم محسوب می‌شود که همسرش را می‌بینند و هم برای مردی که به خانه می‌رود، یک تفریحی محسوب می‌شود که جمال همسرش را از نزدیک می‌بیند و کاملاً برای شیفیت کاری بعد از ظهر دوباره احیا و زنده می‌شود. شما شغل را خارج از محل زندگی طراحی کردید، حال آنکه روایات ما می‌گوید خوب است شغل در نزدیک محل خانه باشد.

۲۷. مباحث مربوط به مقررات ملی ساختمان در ۲۲ جلد جزوه شامل: تعاریف، نظامات اداری، حفاظت ساختمان‌ها در مقابل حریق، الزامات عمومی ساختمان، مصالح و فرآورده‌های ساختمانی، بارهای وارد بر ساختمان، پی و بی‌سازی، طرح و اجرای ساختمان‌های با مصالح بنایی، طرح و اجرای ساختمان‌های بتن آرمه، طرح و اجرای ساختمان‌های فولادی، طرح و اجرای صنعتی ساختمان‌ها، ایمنی و حفاظت کار در حین اجرا، طرح و اجرای تاسیسات برقی در ساختمان‌ها، تاسیسات مکانیکی، آسانسورها و پلکان برقی، تاسیسات بهداشتی، لوله کشی گاز طبیعی، عایق بندی و تنظیم صدا، صرفه جویی در مصرف انرژی، علائم و تابلو‌ها، پدافند غیرعامل، راقبت و نگه‌داری از ساختمان‌ها می‌شود.

برای دسترسی به عنوان فوق در پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت مسکن و ساختمان (وزارت راه و شهرسازی) به لینک زیر مراجعه فرمایید: da.ir/TgV3AYw4

۴/۱/۳. آموزش و فرهنگ؛ سومین نیاز نادیده گرفته شده زندگی خانواده در قالب محله‌های فعلی

مسئله سوم این است که با طراحی‌هایی که آموزش و پرورش کرده، محل تدریس هم به خارج از محل خانه آمده است. البته ممکن است اینجا کسی اشکال کند که همه دانش‌ها را که نمی‌توان در نزدیکی خانه تأمین کرد، پاسخ این است که حتی الامکان باید این کار را کرد! معنا ندارد که وقتی شما طراحی می‌کنید، آموزش و پرورش را به خارج از محله ببرید. می‌دانید که آموزش و پرورش بر اساس منطقه‌ها مدارس را توزیع می‌کند؛ بنابراین مسئله سرویس‌های مدارس موضوعیت پیدا کرده است. وقتی شما می‌بینید که برای مدرسه‌ها سرویس مجزا می‌گذارند، متوجه می‌شوید که فاصله مدرسه با خانه خیلی زیاد است.

۴/۱/۴. نیازهای روزمره؛ چهارمین نیاز نادیده گرفته شده زندگی خانواده در قالب محله‌های فعلی

در مورد آخر هم با وجود آمدن مگامال‌ها و مجتمع‌های تجاری و هایپرمارکت‌ها^{۲۸}، نیازهای روزمره هم به خارج از محله منتقل شده است. من گزارش هایپرمارکت منطقه شوش تهران را که می‌خواندم، دیدم که گفته بودند ما برای حدود ۵۰۰ هزار نفر در اینجا خدمات ارائه می‌کنیم! خب این ۵۰۰ هزار نفر به معنای بخش وسیعی از شهر است؛ در حالی که ما نحوه تأمین نیاز را می‌توانیم محله‌ای ببینیم تا افراد به بهانه تأمین نیاز از محل زندگی‌شان دور نشوند؛ پس ببینید این تعریف فعلی از محله است. ما یک محل استراحت و تأمین خواب تعریف کردیم و زندگی کاملاً بیرون از اینجا صورت می‌گیرد و زندگی هم حداقل ۴ رکن دارد. ۱- تفریح؛ ۲- آموزش و فرهنگ؛ ۳- شغل؛ ۴- نیازهای روزمره.

۴/۲. تعریف محله مطلوب به مکان تأمین نیازهای چهارگانه خانواده؛ تعریف نظریه مدیریت شهری محله محور

حال تعریف صحیح چیست؟ تعریف صحیح این است که بگوییم محله، یعنی محل تأمین نیازهای چهارگانه خانواده (با قید «حتی الامکان» برای مواردی که نمی‌شود) پس ما دو تعریف داریم؛ یک وقتی شما می‌گویید محله یعنی محل استراحت و اصلاً زندگی در آن محله و خانه جریان ندارد [و یک وقت دیگر می‌گویید محله، مکان زندگی است].

۴/۲/۱. تعریف صحیح از محله مطلوب؛ لازمه رعایت برخی از احکام اسلام

بعضی از پدیده‌های مدرن خیلی آزاردهنده است! تقریباً در بسیاری از شهرها راه افتاده است که وقتی مردم می‌خواهند مهمانی بدهند، از مهمانشان در پارک پذیرایی می‌کنند! یعنی دیگر حتی خانه محل پذیرایی از مهمان نیست! زندگی تا این حد از خانه به بیرون آمده است؛ حال آنکه یکی از ساختارهای ده‌گانه فرح که عرض کردم، مسئله مهمانی است (حال یا با همسایه‌ها یا با اهل فامیل) انسان‌هایی که سفره‌شان پهن نیست و مهمانی نمی‌دهند، افسرده هستند. نوع طراحی شهری ما باعث شده که ما در خانه نتوانیم مهمانی دهیم و باید به پارک‌ها برویم! عرض بنده خیلی روشن است. اگر شما محله را محل تأمین نیازهای چهارگانه خانواده قرار دهید، پس آن محله تبدیل به «محل زندگی» می‌شود ولی گاهی اوقات محله را به محل خواب انسان‌ها تعریف می‌کنید نه محل زندگی افراد (که باطن مجتمع‌های آپارتمانی این است)، در این تعریف از محله، خانواده تضعیف می‌شود ولی در تعریف قبلی خانواده تقویت می‌شود. تصور کنید من طلبه - به قول جناب آقای قرآتی - از همه کانال‌ها حتی

۲۸. فروشگاه‌هایی با وسعت بسیار زیاد که تقریباً تمام موارد مورد نیاز زندگی اعم از لوازم خانگی، مواد غذایی، البسه و پوشاک و ... را در خود جای داده‌اند و روز به روز نیز تعداد آن‌ها در استان‌های مختلف کشور در حال گسترش است.

کانال کولر با مردم حرف بزنم و توصیه کنم و بگویم هوای زن و بچه و خانواده‌تان را داشته باشید. پیامبر ﷺ این همه توصیه کردند که هوای دخترانتان را داشته باشید، به دخترانتان احترام بگذارید؛ [اما این‌ها فرض محقق شدن ندارد] چرا که مرد خانه اصلاً در خانه نیست که بخواهد هوای خانواده‌اش را داشته باشید. روایات باب هدیه را دیدید؟ می‌گوید وقتی شما به مسافرت رفتید و یک دختر و یک پسر داشتید، وقتی خواستید هدیه بخرید - دختر و پسران هم خبر ندارند - اول برای دخترت هدیه بخر! ^{۲۹} با اینکه او اصلاً نمی‌بیند و نمی‌داند ولی این روایت می‌گوید مواظب باشید! برای دختر و خانواده‌ات خیلی باید حریم قائل باشی! ما این‌ها را بارها در منبرها بگویم و برای مردم جا بیاندازیم، ولی الآن [زیرساخت آن] نیست. الآن مرد دوازده ساعت در سر کار است! مرد می‌گوید: این حرف‌ها بد نیستند! من اصلاً در خانه نیستم که بخواهم این حرف‌ها را اجرا کنم. چه کسی این کار را کرده است؟ مدیریت شهری که محله را بد تعریف کرده است. گناه به گردن کیست؟ حوزه‌های علمیه و طلبه‌ها! چرا؟ چون گفتند: «ثلاثة ليس لها نهاية رسائل و مكاسب و كفایه» تنها همین‌ها را می‌خوانند! بقیه روایات را که بحث نمی‌کنند! وقتی این‌ها را نخوانیم و بحث نکردیم، همین می‌شود.

محله را چه تعریف کنیم که خانواده تقویت شود؟ آقایان! محله یعنی محل تأمین نیازهای چهارگانه خانواده. اگر ما محله را این‌طور تعریف کردیم، سه دسته خاصیت برای ما به دست می‌آید؛ خواهش می‌کنم توجه بفرمایید.

۴/۲/۲. افزایش زمان حضور افراد در خانواده؛ دسته اول خاصیت‌های تأمین نیازهای چهارگانه خانواده در محله مطلوب

دسته اول خاصیت‌ها این است که اعضای خانواده بیشتر در نزد هم هستند؛ چون همه نیازهایشان در محله تأمین می‌شود، از هم دور نمی‌شوند و ما از پدیده «خانواده‌های هسته‌ای» ^{۳۰} عبور می‌کنیم. خانواده‌های هسته‌ای در تعریف جامعه‌شناسی، خانواده‌هایی هستند که با یکدیگر کم‌ارتباط هستند و وقتی ندارند که برای یک دیگر اختصاص بدهند. ما در این صورت به سمت «خانواده‌های تفصیلی» می‌رویم که در اسلام بحث شده است؛ خانواده‌هایی که اعضای آن برای یکدیگر وقت بیشتری می‌گذارند. این خاصیت اول است. پس آن ده دسته فایده‌ای که من درباره خانواده گفتم، در واقع نتیجه تغییر تعریف محله است.

۲۹. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ أَبِي بِنِ سُلَيْمٍ الْعَطَّارِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ بَشِيرٍ [بَشْرًا] الْكَاهِلِيَّ عَنْ سَالِمِ الْأَفْطَسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى ثُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ وَ لَيْبَدًا بِالْإِنَاثِ قَبْلَ الذُّكُورِ فَإِنَّ مَنْ فَرَحَ ابْنَةً فَكَأَنَّمَا أُعْتِقَ رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ مُؤْمِنَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَنْ أَقْرَبَ بَعِيْنِ ابْنٍ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَدْخَلَهُ اللَّهُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

رسول خدا ﷺ فرمود هر که بازار رود و هدیه‌ای برای عیال خود آورد چون حامل صدقه است برای مردم محتاج؛ و باید به دخترها قبل از پسرها بدهد؛ زیرا هر که دخترش را شاد کند گویا بنده مؤمنی از فرزندان اسماعیل را در راه خدا آزاد کرده و هر که پسری را چشم‌روشن کند گویا از خوف خدا گریسته و هر که از خوف خدای عز و جل بگیرد در بهشت پر نعمت درآید.

امالی (للسدوق)، ص ۵۷۷

۳۰. Nuclear family, also called elementary family, in sociology and anthropology, a group of people who are united by ties of partnership and parenthood and consisting of a pair of adults and their socially recognized children.

خانواده هسته‌ای که خانواده ابتدایی نامیده می‌شوند، در جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، گروهی از افراد هستند که با رابطه شراکت (جنسی) و یا پدر و مادری قوام یافته و متشکل از یک جفت بزرگسال و فرزند رسمی اجتماعی خودشان است.

آدرس مطلب از دایره المعارف بریتانیکا: ytre.ir/ogprfc

حال من یکی از آن خاصیت‌ها را بگویم؛ در اسلام با شرایطی گفته شده: خانم‌ها مدیر تغذیه خانه و به اصطلاح راحت‌تر «طیب خانه»^{۳۱} هستند و اصل در طبابت هم مدیریت سفره و تغذیه است. الآن همه قبول دارند که چون مدیریت سفره را از خانم‌ها گرفتیم، [آسیب‌های فراوانی ایجاد شده است] خانم‌ها که موجوداتی با دو ویژگی هستند اولاً بسیار دقیق و جزئی‌نگر هستند و دوماً بسیار رحیم و رفق هستند. ما مدیریت سفره را از این موجودات ارزشمند گرفتیم و به بیرون سپردیم، تقریباً همه اطبا و حتی WHO^{۳۲} - که خیلی چیزها را نمی‌فهمد! - این مسئله را می‌فهمد که این مسئله منشأ پیدایش بیماری‌های مزمن شده است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَأَعْمَلُ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ»^{۳۳} می‌توانید بگویید طیب خانه، خانم خانه باشد و یا می‌توانید منزلت خانم خانه را از طیب خانه عوض کنید و به آن‌ها منزلت دیگری بدهید تا این چالش‌ها به وجود بیاید! اگر فرصتی بود، در بابی راجع به منزلت مادر باید صحبت کنیم. جامعه بدون مادر دچار فروپاشی می‌شود. آن مرد خبیث غربی هم همین را گفت: «من تا کلمه مادر را در ایران مفتضح نکنم، دست بر نمی‌دارم»^{۳۴} مادر از تقدس افتاده که سر نیروی انتظامی شلوغ است و گرفتاری‌هایش روز به روز در حال افزایش است. مادر از تقدس افتاده که اطبای ما این چنین دارو و درمان‌های ناکارآمد تجویز می‌کنند. این خاصیت اول بود.^{۳۵}

۳۱. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلَّمُ رَاعٍ فَمَسْؤُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ . . . وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْؤُولٌ عَنْهُمْ ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْؤُولَةٌ عَنْهُمْ.

پیامبر خدا ﷺ: هر يك از شما که [به گونه ای] سرپرست است ، در باره زیردستش بازخواست می شود . . . مرد ، سرپرست خانواده خویش است و در باره آنها از او بازخواست می شود . زن نیز سرپرست خانه شوهر خود و فرزندان اوست و در باره آنها از او سؤال خواهد شد .

تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۶

۳۲. WHO began when our Constitution came into force on ۷ April ۱۹۴۸ - a date we now celebrate every year as World Health Day. We are now more than ۷۰۰۰ people from more than ۱۵۰ countries working in ۱۵۰ country offices, in ۶ regional offices and at our headquarters in Geneva.

[فعالیت] WHO از زمان اجرایی شدن قانون اساسی آن در ۷ آوریل ۱۹۴۸ شروع شد (تاریخی که اکنون همه ساله به عنوان روز جهانی بهداشت جشن می‌گیریم). اکنون بیش از ۷۰۰۰ نفر از بیش از ۱۵۰ کشور جهان مشغول به کار در ۱۵۰ دفتر کشوری و ۶ دفتر منطقه‌ای و دفتر مرکزی در ژنو هستند.

آدرس مطلب در پایگاه اطلاع رسانی سازمان جهانی بهداشت: da.ir/eWEJJSx

۳۳. «نَزَلَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ « يَا جِبْرِئِيلُ عِظْنِي » فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَأَحِبِّ مَنْ شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَاعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ شَرَفَ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ وَعِزُّهُ كَفُّ الْأَذَى عَنِ النَّاسِ » .

جبرئیل علیه السلام بر پیامبر خدا ﷺ نازل گردید، آن حضرت به او فرمود: ای جبرئیل مرا موعظه کن، جبرئیل گفت: ای محمد تو هرگونه که می‌خواهی زندگی کن (ولی بدان که ناگزیر) خواهی مرد، و هر کس را می‌خواهی دوست بدار ولی بالاخره روزی از او جدا خواهی شد، و هر چه می‌خواهی انجام ده که بالاخره آن را ملاقات خواهی کرد، بدان که شرف و بزرگی مؤمن نماز شب او است، و عزت و سرافرازی مؤمن خودداری او از آزار رسانیدن بمردمان است.

من لا یحضره الفقیه، جلد ۱، ص ۴۷۱

۳۴. جمله مشهور از رابرت مرداک، یکی از گول‌های رسانه‌ای بهودی که تابعیت آمریکا را دارد.

۳۵. یکی از حضار: بیخشد وقتی نوشته شده است نشست تخصصی، توقع می‌رود که حداقل اجازه گفتگو باشد.

حجت الاسلام کشوری: بله حتما. بعد از اینکه بنده ارائه دادم شما هم بفرمایید.

یکی از حضار: چون بحث‌هایی انجام می‌دهید که امکان دارد سؤالات و توضیحاتی در آن‌ها باشد. خواهش این است که یک فرصتی به بنده بدهید تا بپرسم.

۴/۲/۳. ایجاد «تعرف» و روابط گسترده انسانی؛ دسته دوم خاصیت‌های تأمین نیازهای چهارگانه خانواده در محله مطلوب

وقتی خانواده‌ها در محله به این تعریف زندگی می‌کنند، به دلیل فرآیند تأمین نیازها، ارتباطاتشان با یکدیگر گسترده می‌شود و وقتی ارتباطاتشان با یکدیگر گسترده شد، شناختشان از یکدیگر بیشتر می‌شود و به اصطلاح فقهی می‌گوییم: «تعرف» ایجاد می‌شود که به معنای شناخت طرفینی گسترده است. در تعریفی که از آپارتمان ارائه دادیم، افراد در آنجا زندگی نمی‌کنند و در واقع زندگی بیرون از آنجاست؛ بنابراین بین اعضای آپارتمان تعرف ایجاد نمی‌شود، شما دیده‌اید بعضی وقت‌ها همسایه‌ها سال‌هاست که همسایه هستند ولی یکدیگر را نمی‌شناسند. در فضای محله، چون نیازهای چهارگانه در فضای محله هست، ارتباطات به بهانه تأمین نیاز زیاد است و بعد هم شناخت - و به اصطلاح تعرف - بالا می‌رود و بر تعرف، ۳۰ دسته خاصیت بار می‌شود. اولین خاصیت تعرف، امنیت و خودکنترلی است. انسان‌ها در محیطی که شناخته می‌شوند، به دلیل حفظ آبرو از مرزهای شناخته‌شده جامعه عبور نمی‌کنند و این به دلیل مانی‌تورینگ و پلیس نیست بلکه به دلیل حفظ آبرو است. شما می‌دانید وقتی هم که خود کنترلی باشد، ما دیگر نیازی به دخالت حداکثری پلیس و نیروی انتظامی نداریم. امنیت از پایگاه خود کنترلی، میوه اول تعرف و محله محوری است. اینجا باید ۲۹ خاصیت دیگر را هم بحث کنیم که از آن می‌گذرم. پس این هم دسته دوم خاصیت‌هاست.

۴/۲/۴. کاهش ترافیک، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و مصرف سوخت؛ دسته سوم خاصیت‌های تأمین نیازهای چهارگانه خانواده در محله مطلوب

دسته سوم خاصیت‌های محله با تعریف فقهی، ۴ دسته خاصیت است: ۱- کاهش ترافیک؛ چه زمانی سفرهای درون‌شهری موضوعیت پیدا می‌کند؟ زمانی که نیازها خارج از محله باشد. وقتی شما نیازها را به داخل محله می‌آورید، سفرهای درون‌شهری کاهش پیدا می‌کند، بنابراین ترافیک کم‌تر می‌شود؛ در این صورت دیگر لازم نیست که شما نظریه TOD را بحث کنید و بگویید من می‌خواهم ترافیک را با این نظریه حل کنم؛ این مسئله جزو دسته سوم ثمرات نظریه مدیریت شهری محله محور است. ۲- کاهش آلودگی هوا؛ این خیلی پدیده مهمی است. ۳- کاهش آلودگی صوتی؛ که این نیز منشأ بعضی از بیماری‌هاست. ۴- کاهش مصرف سوخت؛ یعنی ۴ دسته خاصیت که الآن معضل است، توسط این نظریه حل می‌شود. دیده‌اید که مدیران جمهوری اسلامی می‌گویند مصرف بنزین زیاد است، آلودگی هوا و آلودگی صوتی وجود دارد و ترافیک هم تقریباً لا‌علاج شده است! پاسخ این است که باید سفرهای درون‌شهری را کاهش دهید! چه طور می‌توان سفرهای درون‌شهری

حجت‌الاسلام کشوری: بله طبیعی است که در قسمت پرسش و پاسخ ...

یکی از حضار: چون عنوان «نشست» است عرض می‌کنم.

حجت‌الاسلام کشوری: بله بخش پرسش و پاسخ جلسه محفوظ است.

یکی از حضار: بنده انتظار داشتم منبع این تعریف غلط از محله را بگویند.

حجت‌الاسلام کشوری: عرض کردم اما در قسمت پرسش و پاسخ هم بفرمایید تا دوباره عرض کنم. اما بنده عرض کردم تعریف از کجاست. تعریف آن ...

یکی از حضار: منبع آن را نگفتید.

حجت‌الاسلام کشوری: عرض کردم منبع آن مطالعات عینی ما در وضعیت آپارتمان‌ها است. الان وارد بحث نشوید، بگذارید بحث بنده تکمیل شود.

یکی از حضار: آخر، بحث آن گذشته است.

حجت‌الاسلام کشوری: نه بگذارید بحث تکمیل شود. شما که نمی‌توانید بدون شنیدن یک نظریه، آن را نقد کنید.

را به صورت اختیاری کاهش داد؟ البته بدون آنکه به صورت جبری بگوید «طرح زوج و فرد»^{۳۶} می‌گذاریم و جریمه می‌کنیم، این‌ها همه مدل‌های جبری است و در ذات مدرنیته است که کارها را با جبر حل کند. باید محل زندگی برای انسان‌ها درست کنید. این معنا ندارد که افراد به خاطر گوشت و خیار و ماهی و ... سفر درون‌شهری کنند! همه می‌فهمند این کار اشتباه است. این معنا ندارد که افراد دائماً برای تفریح از خانه خارج شوند؛ چه اشکالی دارد تفریح در محله باشد؟ کاری کنید افراد تنها در صورتی که لازم شد، به سفر بروند نه آنکه به بهانه تأمین نیازهای چهارگانه سفر کنند. در روایت دارد: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ» است.^{۳۷} سفر امر سختی است، به همین دلیل در روایات هست که نماز را برای مسافر، قَصْر کردند؛^{۳۸} زیرا سفر سختی دارد. همچنین احکام «ابن السبیل» را برای مسافر گذاشتند.^{۳۹} برای سفر دعای خاص گذاشتند.^{۴۰} هنر مدرنیته این است که با مدیریت شهری خود، سفر را روزمره کرده است. اصلاً ما با «پدیده سیالیت جمعیت» روبرو هستیم^{۴۱} که یک پدیده مدرن است و منجر به گمنامی و نفی هویت شده است. این هم خاصیت سوم از محله است.

۳۶. طرحی از سوی پلیس راهنمایی و رانندگی که براساس آن در محدوده خاصی از کلان‌شهرهایی مثل تهران و مشهد و ... با توجه به زوج یا فرد بودن روز تردد، وسایل نقلیه - هر وسیله نقلیه هم براساس شماره پلاک، زوج یا فرد قرار می‌گیرد - اجازه تردد دارند.

۳۷. عَنْهُ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: السَّبِيلُ / السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ وَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ سَفَرَهُ فَلْيُسْرِحِ الْإِبَابَ إِلَى أَهْلِهِ.

پیامبر خدا ﷺ: مسافرت کردن بخشی از عذاب (رنج) است و هرگاه فردی از شما سفرش را به پایان رساند، باید زود نزد خانواده خود رود. المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۷ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۲۲

۳۸. قد سافَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إلى ذِي حَسْبٍ وَ هِيَ مَسِيرَةٌ يَوْمٍ مِنَ الْمَدِينَةِ يَكُونُ إِلَيْهَا بَرِيدَانِ أَرْبَعَةً وَعِشْرُونَ مَيْلًا فَكَصَّرَ وَأَفْطَرَ فَصَارَتْ سُنَّةً. وَقَدْ سَمَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَوْمًا صَامُوا حِينَ أَفْطَرَ: الْعَصَاةَ، قَالَ ﷺ: فَهَمَّ الْعَصَاةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

پیامبر خدا ﷺ به ذی حاسب - که یک روز تا مدینه فاصله داشت - سفر کرد. نماز خود را شکسته خواند و روزه اش را افطار کرد و این، سنت شد. پیامبر خدا ﷺ گروهی را که زمان افطار کردن خود، روزه گرفته بودند، «نافرمانان» نامید. امام علی (ع) فرمود: آنان تا روز رستاخیز، نافرمان اند.

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۳۵

۳۹. يَسْتَأْتُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ / بقره، ۲۱۵

از تو می پرسند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر مال و مایه سودمندی که انفاق می کنی باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و نیازمندان و در راه مانده گان باشد، و هر کار نیکی انجام دهی، خدا به آن داناست. [ترجمه انصاریان]

۴۰. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَا اسْتَخْلَفَ عَبْدٌ عَلَى أَهْلِهِ بِخِلَافَةِ أَفْضَلٍ مِنْ رُكْعَتَيْنِ يَرْكَعُهُمَا إِذَا أَرَادَ سَفَرًا يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُوْدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَمَاتِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ.

سکونی گوید: امام صادق (ع) می‌فرماید: رسول خدا ﷺ فرمود: هیچ بنده‌ای به هنگام مسافرت برای سرپرستی خانواده خود جانشینی بهتر از آن به جای نگذاشته که دو رکعت نماز بگزارد و بگوید: «اللهم إني أستودعك نفسي وأهلي ومالي ودينى ودنياي وأخرتي وأماتي وخواتيم عملي». (و در این صورت) خداوند خواسته‌اش را، به او عطا فرماید.

الكافي، ج ۳، ص ۴۸۰

۴۱. به گزارش گروه اجتماعی خبرگزاری تسنیم به نقل از استانداری تهران؛ سیاوش شهریور مدیرکل دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری در نشست کمیته امور اجتماعی و فرهنگی نظام تدوین برنامه ششم توسعه استان تهران در تاریخ ۶ مرداد ۱۳۹۵ اظهار کرد: جمعیت سیال و غیر قابل کنترل که هر روز نیز بر شمار آن افزوده می‌شود از چالشهای پیش روی توسعه تهران است؛ توسعه نامتوازن، خشکسالیهای پی در پی و کمبود اشتغال در سایر مناطق و نیز وجود آزادیهای متفاوت و گشایشهای اجتماعی و فرهنگی در تهران از جمله جاذبه‌های مهاجرت به استان است.

طبق قاعده باید سه سرفصل دیگر را هم بحث کنم ولی تنها به آن‌ها اشاره می‌کنم تا فرصت بیشتری وجود داشته باشد و بتوانیم مباحثه بیشتری بر روی همین سرفصل‌هایی که گفته شد انجام دهیم. من تنها اشاره می‌کنم:

۵. کالبد شهری مورد نیاز برای تعریف جدید از محله مطلوب در مدیریت شهری محله محور چیست؟

اگر شما محله را با این تعریف جدید پذیرفتید، این محله نیاز به یک کالبد و فیزیکی جدید دارد. با این تعریف‌هایی که شما از «خیابان» و «دسترسی» دارید، نمی‌توانید محله را بسازید. همچنین یک نهاد مدیریت‌کننده‌ای هم احتیاج دارد که آن نهاد، بلدیة (شهرداری) نیست بلکه مسجد است. مسجد نهاد مدیریت‌کننده محله است که باید این را بعداً بحث کنیم.

مثلاً اگر من زمانی - به صورت اشتباهی! - شهردار مشهد شوم، شش ماه بعد یک کالبد جدید می‌سازم که نه تفاوت با این کالبد‌های موجود دارد و این‌شاء الله باید آن‌ها را بحث کنیم، با این کالبد‌ها و چارچوب‌ها نمی‌توانیم محله بنابر تعریف فقهی را داشته باشیم؛ مثلاً من دیدم آقایان می‌گویند طول و عرض کوچه‌ها باید چه قدر باشد و دلیل آن را هم این می‌گویند که برای مدیریت بحران نیاز به دسترسی داریم؛ ببینید تا چه حد تنزل یافته بحث می‌کنند. آن‌ها فرض گرفته‌اند ماشین آتش‌نشانی و جرثقیل و لودر باید بتواند وارد آن‌ها شود. البته این فرض بخشی درستی است ولی تمام فروض این نیست. شما کوچه را چه طور تعریف می‌کنید؟ قرار است در کوچه رفت و آمد صورت بگیرد، باید با دیدگاه روابط انسانی، طول و عرض خیابان‌ها را استانداردسازی کنیم نه با دیدگاه مدیریت بحران. بگذارید این‌شاء الله بعداً این‌ها را بحث می‌کنیم. ما باید مدیریت اختیاری کنیم نه آنکه شورای شهر داشته باشیم که دائماً قانون بگذارد. بهترین مدیریت اختیاری هم از پایگاه تبیین و کلام صورت می‌گیرد و ساختار آن در مسجد است. باید برای مردم جا بیاندازید تا پیاده‌سازی شود. با روزنامه و سایت و ... که نمی‌توان کاری کرد؛ باید گفتگوی چهره به چهره رخ دهد؛ لذا در اینجا منبر و مسجد در محله‌ای که می‌خواهیم بسازیم، موضوعیت پیدا می‌کند. این بحث پنجم است.

۶. خانه‌ها و تأسیسات شهری در قالب محله مطلوب چه تغییری باید بپذیرند؟

بحث ششم که فقط اشاره می‌کنم نیز عبارت از این است که خود خانه‌ها باید چه تغییراتی کند؟ وقتی تأسیسات شهری به محله می‌رود، در آن چه تغییری ایجاد می‌شود؟ این موضوع را باید درباره تأسیسات زیرساختی و دیگر تأسیسات بحث کنیم که اجازه دهید بعداً بحث می‌کنیم که مثلاً مدیریت آب باید چه طور باشد؟ ما سامانه‌های استحصال آب متمرکز را نمی‌پذیریم، ما یک سامانه استحصال آب شش بخشی داریم که این‌شاء الله بعداً بحث می‌کنیم. جانمایی ساخت محلات نیز جزو مباحث سرفصل ششم است. پس به طور کلی در این بخش کالبد زیرساختی محله را بازتعریف می‌کنیم.

۷. نظام مقایسه نظریه «مدیریت شهری محله محور» با دیدگاه‌های سنتی و نوشهرگرایی چیست؟

بخش هفتم هم مربوط به این مسئله است که این شش سؤال را از دیدگاه‌های سنتی و نوشهرگرایی مطرح می‌کنیم. می‌دانید که ما نباید دعوا کنیم و باید گفتگو کنیم. ما در حوزه علمیه قم وقتی با دوستان مدیریت شهری بحث می‌کنیم، این شش سؤال را

که اجمالاً بحث کردیم، از آن‌ها می‌پرسیم و این‌ها موضوع گفتگوی ما با طرفداران شهر خلاق^{۴۲} و دیدگاه‌هایی مثل شهر کودک^{۴۳} و یا TOD است. ما از آن‌ها سؤال می‌پرسیم نظم اختیاری را چه می‌کنید؟ سؤال دوم این است که برای خانواده چه می‌کنید؟ شما در نظریه شهر کودک می‌گویید می‌خواهم امکانات و اقتضائاتی را ایجاد می‌کنم که وضعیت زندگی کودک بهتر شود، خب کودک بخشی از نهاد خانواده است، چرا به وحدت خانواده فکر نمی‌کنید؟ همچنین می‌گویند: «شهر سالمند»^{۴۴} چرا این‌ها را تجزیه می‌کنید و بحث می‌کنید؟ یا مثلاً می‌گویند شهری که خدمات برای معلولین دارد. این‌ها خوب است ولی بخشی است. شما باید بگویید برای خانواده چه می‌کنید؟ مگر اینکه بگویید خانواده برایتان مهم نیست؛ در این صورت بحث دیگری مطرح می‌شود؛ در این صورت می‌گوییم آیا از آن ده دسته فایدهٔ خانواده می‌خواهید بگذرید؟ بنابراین این سؤالات شش‌گانه را هم در سرفصل هفتم از نگاه‌های نوشهرگرایی و نظریاتش مطرح می‌کنیم؛ بنابراین بنده عرایض را به طور خلاصه جمع بندی کنم و از محضران استفاده کنم.

۴۲. A developed urban area that creates sustainable economic development and high quality of life by excelling in multiple key areas; economy, mobility, environment, people, living, and government. Excelling in these key areas can be done so through strong human capital, social capital, and/or ICT infrastructure.

یک منطقه شهری توسعه‌یافته که به واسطه بهبود حوزه‌های کلیدی متعدد توسعه اقتصادی پایدار و زندگی با کیفیت بالا ایجاد می‌کند؛ [حوزه‌های] اقتصاد، تحرک، محیط‌زیست، مردم، زندگی و دولت. بهبود این حوزه‌های کلیدی را می‌توان از طریق سرمایه قوی انسانی، سرمایه اجتماعی، و یا زیرساخت ICT انجام داد.

آدرس مطلب از سایت دبکشنری اقتصاد <https://b2n.ir/06477>

۴۳. This document [Building Child Friendly Cities: A framework for action] provides a framework for defining and developing a Child Friendly City. It identifies the steps to build a local system of governance committed to fulfilling children's rights. The framework translates the process needed to implement the UN Convention on the Rights of the Child by national governments into a local government process.

این سند [ساخت شهر دوستدار کودک: دستور کار برای اقدام] چارچوبی برای تعریف و توسعه شهر دوستدار کودک فراهم می‌کند. این اقدامات مراحل ساختن یک سیستم محلی سیاسی متعهد به تحقق حقوق کودکان را مشخص می‌کند. این چارچوب فرایند مورد نیاز برای اجرای کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل توسط دولت‌های ملی را در قالب دولت محلی توضیح می‌دهد.

آدرس مطلب در سایت رسمی یونیسف: yon.ir/XAMvo

۴۴. Making both cities and rural communities age-friendly is an effective local policy approach for responding to population ageing. The physical and social environments are key determinants of whether people can remain healthy, independent and autonomous long into their old age.

The WHO age-friendly cities guide highlights domains that cities and communities can address to better adapt their structures and services to the needs of older people: the built environment, transport, housing, social participation, respect and social inclusion, civic participation and employment, communication, and community support and health services.

ایجاد شهر و جوامع روستایی دوستدار سالمند، یک رویکرد اجتماعی محلی برای پاسخ به پیر شدن جمعیت است. محیط‌های طبیعی و اجتماعی عوامل اصلی تعیین‌کننده این مسئله است که آیا افراد می‌توانند تا زمان پیری خود سالم، مستقل و خودمختار باقی بمانند.

شهرستانهای دوستدار سالمندان متعلق به WHO، به موضوعات مهمی راهنمایی می‌کند که شهرها و جوامع می‌توانند برای انطباق بهتر ساختارها و خدمات خود با نیازهای سالمندان به: محیط ساخته شده، حمل و نقل، مسکن، مشارکت اجتماعی، احترام و شمول اجتماعی، مشارکت مدنی و اشتغال، ارتباطات و خدمات پشتیبانی و بهداشتی جامعه رسیدگی کنند.

آدرس مطلب در سایت سازمان بهداشت جهانی: yon.ir/TGA3K

حرف اصلی ما در نظریه مدیریت شهری محله محور این است که تعریف غلطی از محله اتفاق افتاده است و به این تعریف غلط هم در جاهایی که قوانین تملک را بحث کردند، تصریح کردند؛ چون در کشور دو دسته قانون تملک آپارتمان وجود دارد که در آن بحثی از تفریح و نیازهای چهارگانه خانواده نیست. در تعریف محله این موارد دیده نشده و گویی حذف شده و به آن توجه نشده است. این اشکال اصلی ما به دوستان شهرداری و مدیریت شهری وزارت مسکن و سازمان‌های مرتبط است که چرا شما به مسئله روابط انسانی در تعاریفتان توجه نکردید؟ البته در زبان می‌گویند: «TOD شهر را انسان محور می‌کند» ولی گویی تصور کرده‌اند انسان، فردی بریده از نهاد خانواده و روابط انسانی است؛ در حالی که در تفکرات پیامبران انسان را در روابطش می‌بینیم، یک انسان سیزده نوع رابطه دارد: «رابطه انسان با همسایه»، «با خانواده»، «با معلم»، «با امام»، «با طرف کسب» و ... این‌ها روابط انسانی است. این سیزده نوع رابطه‌ای که پیامبران توصیه کردند، در مدیریت شهری مغفول واقع شده است. این خلاصه حرف ماست. شما می‌گویید این مدیریت شهری را چه کار کنیم تا مبتنی بر روابط انسانی بازسازی کنیم؟ پیشنهاد ما این است که تعریف محله را از محل استقرار خانه به محل زندگی و تأمین نیازهای چهارگانه خانواده عوض کنیم. ما طلبه‌هایی که در حوزه هستیم - از حضرت ابی‌الحسن الرضا علیه السلام عذرخواهی می‌کنم - دیر ورود کردیم و تنبلی کردیم و باید زودتر می‌آمدیم و بحث می‌کردیم ولی به هر حال الان شروع کرده‌ایم راجع به مشهد و قم آینده صحبت می‌کنیم و مسئله مدیریت شهری با تفکرات پیامبران را بحث می‌کنیم، این قضیه تفصیلی دارد که باید به آن بپردازیم. ما بخشی از این مسئله را در قالب نظریه مدیریت شهری محله محور بحث کردیم.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پیوست‌ها

پیوست شماره ۱: افزایش بیماری در چند دهه اخیر

مجری بزرگ‌ترین مطالعه کوهورت خاورمیانه و شمال آفریقا در ایران، در ادامه، فهرستی از علل مهم مرگ‌ومیر در ایران طی ۱۰ سال گذشته و روند تغییرات (افزایش یا کاهش) هر یک از این را علل ارائه کرد و گفت: بیماری‌های قلبی عروقی با ۲۷ درصد افزایش، سکنه مغزی با ۱۹ درصد افزایش، آنزایمر با ۱۰۳ درصد افزایش، صدمات جاده‌ای با ۳۱ درصد کاهش، بیماری‌های قلبی ناشی از فشار خون بالا با ۵۵ درصد افزایش، دیابت با ۷۶ درصد افزایش، بیماری‌های مزمن انسدادی ریوی با ۴۰ درصد افزایش، بیماری‌های مزمن کلیوی با ۵۶ درصد افزایش، اختلال‌های نوزادی با ۶۰ درصد کاهش، بیماری‌های عفونی دستگاه تنفسی با ۰/۶ درصد افزایش، نواقص مادرزادی با ۵۴ درصد کاهش مهمترین علل مرگ در ایران را تشکیل می‌دهند.

همچنین ایشان اذعان کردند که طی ۱۰ سال گذشته آنزایمر افزایش دو برابری و نیز دیابت افزایش ۷۶ درصدی (به عنوان علت کلی مرگ و میر) داشته است.

معاون تحقیقات وزیر بهداشت، درباره عوامل خطری که علل مرگ و ناتوانی در ایران را شکل می‌دهند، گفت: همان طور که بر اساس نتایج مطالعات مهم ملی و جهانی بارها هشدار داده‌ام، فشار خون بالا در ایران، مهمترین عامل خطر مرگ و ناتوانی در ایران است. فشار خون بالا در سال ۸۶، سومین عامل خطر مرگ و ناتوانی در ایران بوده است که با افزایش ۲۴ درصدی طی ۱۰ سال گذشته، اکنون به رتبه نخست رسیده است. ملک‌زاده یادآور شد: فشار خون بالا، طی ۲۵ سال گذشته در ایران، ۳۹ درصد افزایش یافته و در سال ۹۵، ۴۴ هزار مرگ بر اثر فشار خون بالا رخ داده است. نکته مهم دیگر آن که ۳۳ درصد مرگ و میرهای قلبی عروقی به علت فشار خون بالا رخ می‌دهد و ۹۲۶ هزار سال عمر ایرانی‌ها در سال ۹۵ با ناتوانی‌های ناشی از فشار خون بالا از دست رفته است.

معاون تحقیقات وزیر بهداشت گفت: پس از خطر فشار خون بالا به عنوان شایع‌ترین عامل محرک مرگ و ناتوانی در ایران، پرخوری و رژیم غذایی نامناسب و پرخطر (۲۱ درصد افزایش)، قند خون بالا (۶۶ درصد افزایش)، شاخص توده بدنی بالا (۴۱ درصد افزایش)، مصرف تنباکو (۲۳ درصد افزایش)، چربی خون بالا (۱۴ درصد افزایش)، مصرف مواد مخدر (۴ درصد افزایش)، آلودگی هوا (۱۸ درصد افزایش) و نارسایی‌های مزمن کلیوی (۳۰ درصد افزایش) مهمترین محرک‌های علل مرگ و میر کلی و مرگ‌های زودرس در ایران با تغییرات افزایشی یا کاهش‌یافته شده در طول ۱۰ سال گذشته هستند.

آدرس مطلب در خبرگزاری تسنیم: tn.ai/1880019

رییس اداره سرطان وزارت بهداشت با بیان اینکه متوسط جهانی بروز سرطان به ترتیب در مردان و زنان ۲۰۵ و ۱۶۵ نفر از هر ۱۰۰ هزار نفر است، گفت: این آمار نشان می‌دهد میزان بروز سرطان در ایران کمتر از میزان جهانی است. نکته قابل اهمیت این است که بروز سرطان هم در ایران و هم در جهان رو به افزایش است. یعنی اگر در سال ۲۰۱۲ سالیانه ۱۴ میلیون نفر به سرطان مبتلا می‌شدند، این عدد تا سال ۲۰۳۰ به ۲۵ میلیون نفر خواهد رسید و میزان مرگ‌ومیر ناشی از این بیماری نیز از هشت میلیون نفر به ۱۳ میلیون نفر افزایش خواهد یافت؛ چراکه با افزایش بروز سرطان، میزان مرگ‌ومیر ناشی از آن هم به همان نسبت بیشتر می‌شود.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایسنا: b2n.ir/18989

افزایش ۳۲ درصدی سهم بیماری‌های غیرواگیر در مرگ و میر ایرانی‌ها:

دکتر ملک‌زاده درباره وضعیت ایران در این زمینه گفت: به طور کلی، در سال ۱۹۹۰ حدود ۴۸ درصد از کل موارد مرگ ناشی از بیماری‌های مزمن غیرواگیر بوده‌اند که این نسبت در سال ۲۰۱۶ به حدود ۸۰ درصد رسیده است.

افزایش ۳۱ درصدی مرگ بر اثر دیابت در جهان: ۱/۴۳ میلیون مرگ در ۲۰۱۶.

همچنین دیابت را علت ۱/۴۳ میلیون مرگ در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که در مقایسه با سال ۲۰۰۶ حدود ۳۱ درصد افزایش پیدا کرده است.

آدرس مطلب در پایگاه رسمی معاونت تحقیق و فناوری وزارت بهداشت: b2n.ir/18799

محلّه جزو عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده است. می‌توان محلّه را غلط تعریف کرد و در نتیجه نهاد خانواده را تضعیف کرد و می‌توان محلّه را درست تعریف کرد تا نهاد خانواده تقویت شود. حال تعریف درست از محلّه حامی خانواده و تعریف غلط از محلّه‌ای که مضرّ به حال خانواده است، چیست؟ محلّه با تعریف غلط یعنی محل استقرار خانه و محل استراحت اهالی و اعضای خانواده. الآن در وضعیت فعلی این‌طور است. انسان‌ها برای خواب و استراحت به خانه می‌روند، یعنی خانه به خوابگاه تبدیل شده و محلّه هم به معنای محل استقرار این خوابگاه‌هاست، البته اسم آن به «آپارتمان» و «مجتمع مسکونی» تبدیل شده است.



* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir

کانال "الگو 4" در پیام‌رسان ایتا @olgou4

